

بازنمایی فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان: مطالعه‌ای به روش نظریه برخاسته از داده‌ها

آرزو غفوری*

کارشناس ارشد آموزش بزرگسالان دانشگاه تهران

کیوان صالحی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بازنمایی چگونگی بروز دگرگونی‌های ارزشی در جامعه، به‌ویژه در زنان بود. بدین منظور ۳۶ نفر از زنان و مردان (۱۲ مرد و ۲۴ زن)، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها و بررسی میزان همگرایی و غنی‌سازی یافته‌ها، از چندین فن، شامل مصاحبه بدون ساختار، مصاحبه نیمه‌ساختارمند، مشاهده و نامه‌نگاری شرکت‌کنندگان استفاده شد. مرور و مقایسه متوالی داده‌های گردآوری‌شده، به استخراج ۱۰ مقوله و ۳ مقوله کلی منتج شد. تحلیل ساختار ارزش‌ها و تعامل زنان با دیگران، به شکل‌گیری نظریه میانی منجر شد. الگوی به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان‌می‌دهد، مقوله محوری که زمینه‌ساز بروز دگرگونی‌های ارزشی در افراد به ویژه زنان می‌شود، «عدم توجه به مبدأ هستی و نگاه کوتاه‌بینانه به فلسفه وجودی انسان» است که باعث سست شدن باورها و در نتیجه شکسته شدن حریم‌ها و بی‌توجهی به نقش‌ها و مسئولیت‌ها می‌شود. چنانچه فردی تحت تأثیر شرایط واسطه‌ای و محیطی ویژه قرار گیرد، احتمال ورودش به دگرگونی‌های ارزشی افزوده می‌شود و مبتنی بر راهبرد لذت‌جویی آنی، احتمال ایجاد پیامدهایی چون مسخ ارزش‌ها و بروز دگرگونی‌های ارزشی افزایش خواهد یافت. در این مقاله، نحوه شکل‌گیری نظریه میانی بررسی شده است.

واژگان کلیدی

دگرگونی‌های ارزشی؛ فرایند شکل‌گیری؛ ارزش؛ زنان؛ نظریه برخاسته از داده‌ها

*. نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۴

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳

DOI: 10.22051/JWSPS.2017.11132.1261

مقدمه و بیان مسأله

انسان در میان موجودات مرتبه‌ای والا و جایگاه و ارزشی خاص دارد. بی شک اعتبار و هویت هر تمدن و فرهنگی به پشتوانه اصالت‌ها، سوابق و افتخارات تاریخی آن است. هیچ ارزشی فی‌البداهه به وجود نمی‌آید و هیچ افتخاری بدون تکیه بر باورها و آئین‌های نهادینه شده در حافظه تاریخی جامعه جاودانه نمی‌شود. سنت‌هایی که نسل به نسل و سینه به سینه، بستر ناملایم تاریخ را درنوردیده و به عنوان «یکی از ارکان عمده حیات فرهنگی ملت‌ها دست ما رسیده‌است. براساس تجربیاتی چند صد ساله و بر پایه پژوهش و آزمون‌های اندیشمندان، هنرمندان، حکما و پدران ما کشف و خلق شده تا به امروز رسیده است. بر همگان وظیفه است تا پاسدار این حرمت جاودانه و این هویت بازمانده از نیاکان خود باشیم، تا دست یافته‌ها و ابداعات ما را نیز آیندگان حفظ کنند و افتخاری باشد برای فرزندان ما (هوشیار، ۱۳۹۴).

ارزش، به معنای بها، شایستگی و قدراست (معین، ۱۳۸۸: ۱۹۹). ارزش‌ها، گونه‌ای از معیارهای فرهنگی به شمار می‌روند و بیان‌کننده آن دسته از اهداف کلی هستند که در حیات اجتماعی مطلوب محسوب می‌شوند. ارزش‌ها تدارک‌کننده مفهوم و مشروعیت نهایی برای قواعد و ضوابط رفتارهای اجتماعی هستند (محسنی، ۱۳۷۹، به نقل از ربانی و شهابی، ۱۳۸۹). ارزش‌های اخلاقی از مهم‌ترین ابزارهای جامعه برای برقراری انتظام اجتماعی هستند. این ارزش‌ها، شیوه‌های مطلوبی هستند که برای افراد مشخص می‌کنند تا در موقعیت‌ها و زمان‌های مختلف، چگونه باید رفتار کنند تا مقبول جامعه واقع شوند. به طور کلی، زمانی که گفته می‌شود واقعتی حائز ارزش است، به طور ضمنی پذیرفته شده است که هدفی مطلوب را تحقق می‌بخشد. اندیشیدن در باب ارزش به معنای اندیشه در باب آن چیزی است که مطلوب شناخته می‌شود، خواه در سطح سرنوشت جامعه، خواه در سطح سرنوشت فردی (بیرو، ۱۳۶۷، به نقل از ربانی و شهابی، ۱۳۸۹).

مفهوم بحران ارزش‌ها، مفهومی غریب در میان صاحبان اندیشه نیست. لئو اشتروس (۱۳۸۸) پس از اشاره به نظریه اشپنگلر درباره افول غرب، مفهومی مشابه خلأ ارزش‌ها در معنای اخلاقی را به عنوان بحران بزرگ تجدد برمی‌شمارد. او بر این باور است که بحران تجدد خود را در این واقعیت متجلی می‌کند یا جزء این واقعیت است که انسان جدید، دیگر نمی‌داند به دنبال چیست. او دیگر باور ندارد که بتواند خوب و بد یا درست و غلط را تشخیص دهد.

هورکهایمر به درستی گستردگی این بحران را در «بی‌معنا کردن همه ارزش‌های انسانی» رونمایی می‌کند. او از تهی شدن علم، هنر و سیاست از حقایق متعالی سخن می‌گوید (هورکهایمر، ۱۳۸۸، نقل از جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴). به زعم راپورت^۱، (۱۹۶۸) بحران، وضعیتی است که در آن، فرایند تغییر در سیستم به‌گونه‌ای درمی‌آید که ثبات و تعادل سیستم به‌شدت و با آینده‌ای نامطمئن به خطر می‌افتد و ضرورت اقدام هرچه سریع‌تر برای اعاده آن یا برقراری بی‌نظمی جدید احساس می‌شود. هرمن^۲ (۱۹۷۲) بر این باور است که بحران، وضعیتی است که در آن، یک سیستم یا بخش‌هایی از آن، مختل (یا تهدید به اختلال) شده و تغییرات ناگهانی یا مخرب در یک یا چند متغیر سیستمی اساسی (برای مثال، تغییر ناگهانی در قدرت بازدارندگی یک ابرقدرت در برابر ابرقدرت دیگر) باعث بی‌ثباتی کل سیستم می‌شود (به نقل از ربانی و شهابی، ۱۳۸۹). از نظر ماکس وبر، بحران ارزشی، به فراموش شدن تدریجی ارزش‌های اولیه و بی‌روح شدن عالم اشاره دارد. به دیگر سخن، حوزه علم با تخصصی شدن، مبانی خود را که همان ارزش‌ها در معنای متافیزیکی هستند، از یاد می‌برد و با از دست دادن پویایی و تحرک و سست شدن ایمانش به راه آمده، به بن بست می‌رسد؛ او بر این باور است که بحران ارزش، قفس آهنین به بار می‌آورد و زندگی را مکانیکی و پوچ می‌کند و فراتر از آن، بنیاد تمام ادعاهای علمی و ارزشی جهان‌شمول و تاریخ‌شمول را فرو می‌ریزد و معرفتی نسبی و فرهنگی حاصل می‌دهد که همان هم‌دیری نخواهد پایید که با فراموش شدن ارزش‌های فرهنگی زاینده خویش، معناداری خویش را از دست خواهد داد تا «راه علم در تاریکی فرو رود (نقل از جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴).

بر پایه تحولات جهانی شدن، خانواده ایرانی نیز تاحدودی بحران‌ها و دگرگونی‌هایی را تجربه کرده است که در نتیجه آن، نظام ارزشی خانواده دگرگون شده است. بعضی از این دگرگونی‌ها راه را برای پدیدآمدن روابط و روش‌های زندگی جدید در درون خانواده ایرانی باز کرده است. روش‌هایی که با روند مأنوس و شناخته‌شده جامعه ایرانی تفاوت‌های زیادی دارند. مطالعات گسترده‌ای بر نشانه‌های بحران، در این فرآیند گذار از دوران سنتی به مدرن اشاره کرده‌اند. در همین راستا، شواهدی مبنی بر پدیدآمدن آسیب‌های ساختاری در

1. Rapoport

2. Hermann

خانواده ایرانی در سال‌های اخیر ارائه شده است (صادقی‌فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۲؛ شکرپیگی و معینی، ۱۳۸۸، نقل از زاهدی و نازک‌تبار، ۱۳۹۳). تغییر نقش و جایگاه زنان، افزایش آمار طلاق، کاهش ازدواج، تغییر دیدگاه نسبت به نقش همسر، تغییر تمرکز تصمیم‌گیری در خانواده و خیانت در رابطه زناشویی از جمله این آسیب‌هاست. به نظر می‌رسد شدت این آسیب‌ها به اندازه‌ای است که برخی از آن‌ها را نشانه‌های بحران خانواده برمی‌شماریم، مانند طلاق و بی‌وفایی همسران نسبت به یکدیگر که ممکن است پیش‌آگاهی‌دهنده از بی‌سازمانی محتمل نهاد خانواده در آینده‌ای نه چندان دور باشند. از آن‌جا که ساختار خانواده مناسبات خانوادگی، موقعیت نهادی خانواده و روابط آن با دیگر نهادهای جامعه سرچشمه بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی امروز است، بحران خانواده ممکن است، تأثیر منفی چشمگیری بر روند توسعه و پیشرفت جامعه بگذارد (زاهدی و نازک‌تبار، ۱۳۹۳). از این رو بازنمایی فرایند شکل‌گیری آسیب‌ها و دگرگونی‌های ارزشی که نهاد خانواده و به‌ویژه زنان در فرآیند نوسازی تجربه می‌کنند، بسیار مهم است. در این پژوهش کوشش شده است تا فرایند شکل‌گیری آسیب‌ها و دگرگونی‌های ارزشی که نهاد خانواده و به‌ویژه زنان، بررسی و بازنمایی شود.

چالش‌های بین ارزش‌های سنتی و مدرن و فناوری و فرهنگ نهفته در بطن آن، به علاوه، تحولات عمیق و گسترده سیاسی و اقتصادی و پیدایش طبقه متوسط شهری، افزایش بی‌سابقه مصرف کالاهای جدید، ورود امکانات جدید ارتباطی نظیر اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای به زندگی شهروندان، تغییرات ارزشی شدید را در جامعه ما موجب شده‌اند (آزاد ارمکی و خادمی، ۱۳۸۲: ۱۳). در حالی که در گذشته خانواده به شدت ارزش بوده، جامعه انسان معاصر شاهد تغییرات جالب‌توجهی در ارزش و تشکیل خانواده است (فروتین، ۲۰۱۴).

دگرگونی در ارزش‌های مورد نظر در این پژوهش، مصادیقی نظیر «افزایش اعتیاد در بین جوانان»، جهان در حال حاضر در کنار بحران تهدید بمب اتمی، بحران نابودی محیط زیست بحران فقر جامعه، شاهد بحران اعتیاد است (استفان^۱، ترجمه پیرمرادی، ۱۳۸۸، به نقل از حجاریان و قنبری، ۱۳۹۲: ۶۸)؛ «عدم رعایت پوشش مناسب و حریم بین افراد در مهمانی‌ها و جامعه به‌ویژه در زنان»، اگر زن، به خودنمایی و آرایش‌های ظاهری اقدام کند، ارزش‌هایی

چون حجاب و حیا و وقار را خدشه‌دار می‌کند و خود و اجتماع را به تباهی و فساد و سرانجام به ضدارزش‌ها می‌کشاند (اخلاقی، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۰). «استفاده افسار گسیخته از شبکه‌های ماهواره‌ای و عدم توجه به تأثیر این شبکه‌ها بر تربیت فرزندان و از همه مهم‌تر بزرگسالان خانه»، «عدم رعایت اخلاق و حریم انسانی در شبکه‌های اجتماعی مجازی»، «افزایش هزینه‌نگاری بین افراد جامعه به ویژه مردان متأهل»، «پایین آمدن میزان مطالعه مؤثر و عادت به هزینه‌خوانی در شبکه‌های مجازی»، «عدم رعایت احترام به اشخاص سالخورده و افرادی که بر گردن ما حق دارند»، «اسراف و بی‌توجهی به نیازمندان از جمله کودکان کار، زنان کارتن‌خواب، زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست»، را در بر می‌گیرد.

به نظر می‌رسد مسأله امروز جوامع و به‌ویژه جوامع ارزشی همچون کشور ما، شکل‌گیری دگرگونی‌های شدید در ارزش‌های انسانی، دینی و اجتماعی است که می‌تواند حیات جامعه را به مخاطره جدی بيفکند. به بیان دیگر آنچه که قرون گذشته شاخص رفتار مطلوب شمرده می‌شد در حال تغییر است و اجتماع در صدد پشت‌پازدن به ارزش‌های راستین انسانی بر آمده است. شاید همه ما تا حدودی این دگرگونی‌ها را احساس کرده باشیم، اما آنچه مهم‌تر به نظر می‌رسد کشف علل و چگونگی بروز این دگرگونی در ارزش‌ها است، تا راه‌های درمان و پیشگیرانه اجرا شوند. نتایج حاصل از این مطالعه می‌تواند طیف وسیعی از افراد را بهره‌مند کند، مهم‌ترین سود آن عاید خانواده‌هاست.

نهاد خانواده زیر بنای همه نهادهای اجتماعی است و از آنجا که استحکام بنیان جامعه بشری با استواری بنیان خانواده پیوندی ناگسستنی دارد، سعادت‌مندی جامعه هم در گرو سعادت و تعادل خانواده‌هاست. در این نهاد، زن به عنوان همسر و مادر رکن اساسی را دارد (یوسفیان، ۱۳۸۵). با مطالعه تاریخ، دولت‌ها، زندگی و رفتار آدم‌ها، به این نتیجه رسیده‌ایم که رفتار زنان اطمینان‌پذیرترین و کم‌خطاترین شاخص برای تعیین میزان پابندی یک ملت به اخلاقیات و پاکدامنی است. یهودیان، یونانی‌ها، سوئیسی‌ها و آلمانی‌ها همگی زمانی هویت ملی و شکل استقلال‌طلبانه دولت‌هایشان را از دست دادند که پاکدامنی خانوادگی و حجب و حیای زنانشان از دست رفت (آدامز، به نقل از لی دموس^۱، ۲۰۰۳). نقش زنان در شکل‌گیری سبک خانواده شاد و سهم آن‌ها در اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی همواره شناخته شده‌است (مهاذیر

محمد^۱، ۲۰۰۳، به نقل از استیونس^۲، ۲۰۰۶).

برای داشتن جهانی سالم، نیازمند داشتن جوامع پاک و برای رسیدن به این جوامع محتاج خانواده‌های سالم هستیم. بی‌شک خانواده سالم مرهون زنان و مردان پاک و باایمان است. اگر افراد جامعه به ارزش‌های انسانی پایبند باشند، معضلات اجتماعی مانند طلاق، خیانت، بی‌بندوباری اخلاقی، اعتیاد و... رو به افول می‌گذارد و جامعه سالم به سمت رشد و پیشرفت خواهد رفت.

در پژوهش ربانی و شهابی (۱۳۸۹)، که «ارزش‌های اخلاقی جوانان شهری اصفهان» را بررسی کرده است، نتایج نشان داد ارزش‌های اخلاقی برای جوانان اهمیت زیادی ندارد. اکثر شاخص‌های اخلاقی کم‌تر از حد متوسط هستند. همچنین، بیشتر ارزش‌های اخلاقی کم‌تر مورد توجه اعضا قرار گرفته یا رعایت می‌شوند. نیک‌گفتار (۱۳۸۶)، در مطالعه‌ای که به روش کمی درباره «رابطه بین سلسله مراتب ارزش‌ها و سلامت عمومی» انجام داد، به این نتیجه رسید که با شکل‌گیری و شدت یافتن زیباگرایی ظاهری به عنوان یک ارزش در افراد، حالات و نشانه‌هایی نظیر احساس خستگی، برانگیختگی‌های هیجانی، اضطراب و بی‌خوابی افزایش یافته و در مجموع سلامت عمومی فرد، کاهش می‌یابد. یکی از شرایط لازم برای دستیابی به سلامت روان، بهره‌مندی از یک نظام ارزشی منطقی و صحیح است. در مطالعه دیگر حسن‌زاده (۱۳۸۷)، با عنوان «بحران در مبانی تعلیم و تربیت غربی و راه‌گزین از آن» نتیجه گرفت که راه‌گزین و نجات از مشکلات و معضلات اجتماعی، فردی، اخلاقی و رسیدن به تعهد همه جانبه تنها و تنها در سایه ایمان به خدا، تعلیم و تربیت انسان براساس اصول یاد شده و عمل به آموزه‌های دینی ممکن است. حمیدپور و آقاپور (۱۳۸۵) در پژوهشی که به روش پیمایشی با موضوع «مطالعه و بررسی تفاوت ارزش‌های مشترک خانواده و مدرسه از دیدگاه جامعه‌شناختی» انجام دادند، مشخص شد که بین ارزش‌های خانه و مدرسه، تفاوت وجود دارد. اهمیت همگی این ارزش‌ها در نزد مدرسه، بیشتر از خانه است، به جز ارزش اقتصادی که خانواده‌ها برای آن اهمیت بیشتری قائل هستند. خانواده و مدرسه هر دو در جامعه‌پذیری فرد دخالت دارد و در این جریان ارزش‌هایی را به نوجوان انتقال می‌دهند. حال اگر ناهماهنگی و

1. Mahathir Mohamad

2. Stivens

تفاوت‌هایی در این ارزش‌ها وجود داشته باشد؛ فرد از نظر عاطفی و تکوین شخصیت صدمه خورده و عواقب شوم آن به صور مختلف مانند اضطراب؛ افسردگی؛ خشونت؛ عصبانیت؛ بی‌هویتی و بی‌اعتبار شدن ارزش‌ها در نزد نوجوان رخ می‌دهد که موجب سردرگمی نوجوان می‌شود و ممکن است موجب بروز رفتارهایی شود که باعث برهم خوردن نظم اجتماعی شود. کفاشی (۱۳۸۸)، تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده را بررسی کرد، او در مطالعه خود، که به روش پیمایشی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن انجام داده بود، به این نتایج دست یافت که ارزش‌های خانوادگی دانشجویانی که به اینترنت دسترسی دارند به تفکیک مکان استفاده از اینترنت، تفاوت معناداری را نشان می‌دهد. به عبارت دقیق‌تر، حداکثر تفاوت میانگین ارزش‌های خانوادگی مربوط به افرادی است که در دانشگاه از اینترنت استفاده می‌کنند و حداقل آن مربوط به افرادی است که از کافی‌نت استفاده می‌کنند. در نهایت دلخوش و احمدی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «محتوا و ساختار ارزش‌ها در نوجوانان ایرانی»، نتیجه‌گیری کردند که محتوا و ساختار ارزش‌های انسانی نوجوانان ایرانی در سطح وسیعی با الگوی نظری جهان‌شمول ارزش‌ها مطابقت دارد و معنا بخشی به ارزش‌ها در دختران و پسران مشابه است. همان‌گونه که استنباط می‌شود، در بیشتر موارد پژوهش‌های انجام شده، معنای ارزش‌ها را در میان افراد جامعه و مبانی نظری ارزش‌ها بررسی کرده‌اند و پژوهشی به شکل کیفی انجام نشده است که به چگونگی بروز دگرگونی در ارزش‌های ایرانیان توجه کند.

یکی از پژوهش‌ها و مطالعات خارجی مهم در حوزه سنجش ارزش‌ها، مربوط به «اینگلهارت» است. اینگلهارت در کتاب معروف خود با عنوان «تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی» و در معرفی نظریه خود با عنوان «دگرگونی ارزش‌ها» ارزش‌ها را به دو دسته مادی و فرا مادی تقسیم کرده و در خصوص سنجش آن چنین توضیح داده که اگرچه سنجش و اندازه‌گیری مستقیم ارزش‌ها مشکل است، لیکن وجودشان از طریق تأکید پیوسته بر انواع معینی از اهداف قابل استنباط است. به عقیده او خواسته‌ها یا اهداف ممکن است در سه سطح فردی، میانه و کلان مطرح شوند (توکلی، ۱۳۷۸: ۱۴۷، به نقل از زاهدی و خضرنژاد، ۱۳۹۲).

بیکر^۱ (۲۰۰۴)، بحران آمریکا در ارزش‌ها را از یک زاویه جدید بررسی کرده است. نگرانی

اصلی این نویسنده، درباره ارزش‌های اخلاقی است. درباره اینکه حق و باطل یا خوب و بد چیست؟ او ارزش‌های اخلاقی را هسته وجدان درونی فرد می‌داند. روند رو به رشد تولدهای نامشروع، جرم و جنایت، استفاده از مواد مخدر، فروپاشی خانواده، که ادامه این موارد را تهدید حیات جمهوری می‌داند. لن، گزوینگ، ریجر، مهان و کتنگ^۱ (۲۰۱۰)، در یک مطالعه به روش همبستگی با عنوان «ارزش‌ها، انواع ارزش‌های اخلاقی و استدلال دانشجویان MBA»، به این نتیجه رسیدند که بین ارزش‌های جهانی با سطوح بالاتر استدلال اخلاقی همبستگی مثبت وجود دارد، در مقابل بین ارزش‌ها و علاقه‌مندی‌های شخصی با سطوح بالاتر استدلال اخلاقی همبستگی منفی برقرار است. میلهم^۲ (۲۰۰۴)، در یک مطالعه قوم‌نگاری این مورد را بررسی کرد که: «چگونه افراد دارای تعهد بلند مدت (ازدواج)، به برقراری رابطه خیانت‌آلود در رایانه از طریق چت، روی می‌آورند؟» او نشان داد که افراد متأهل، به دلایلی چون ناشناس ماندن ماهیت حقیقی و فاش نشدن نام آن‌ها در چت روم‌ها، بی‌ضرر دانستن این عمل و احساس گناه نکردن افراد متأهل استفاده‌کننده از چت روم‌های جنسی و اجتناب آن‌ها از ناراحتی‌های روانی پس از پیام‌های جنسی مبادله شده، سعی در استفاده از این رابطه‌های خیانت‌آلود دارند. مونورو^۳ و همکارانش (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای که در ده کشور (بنگلادش، برزیل، ایتالیایی، ژاپن، نامیبیا، پرو، ساموآ، صربستان و مونته‌نگرو، تایلند و جمهوری متحده، تانزانیا) انجام داد به این نتیجه دست یافت که نرخ شیوع خشونت مردان بر شرکای جنسی خود (زنان)، بین ۱۵ تا ۷۱ درصد متغیر است (به نقل از کوریا، آلوز، موریس و راموس^۴، ۲۰۱۴). جیوکس، لوین و پن^۵ (۲۰۰۳)، در پژوهشی به روش کمی نشان داد که HIV مثبت در زنان، به‌طور ملاحظه‌پذیری با آموزش و پرورش در ارتباط است. بیشتر مطالعات انجام شده به دادن عدد و ارقام بسنده کرده‌اند و مطالعه جدی درباره چگونگی بروز دگرگونی در ارزش‌ها انجام نشده است. طبق آمار اعلام شده از رسانه‌های رسمی ایران، در سال گذشته در هر ساعت، ۱۹ طلاق اتفاق افتاده است، طبق آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور، نسبت ازدواج به طلاق، در سال

-
1. Lan., Gowling., Rieger., Mahon & King
 2. Mileham
 3. Moreno
 4. Correia., Alves., Morais & Ramos
 5. Jewkes., Levin & Penn

۹۵ در نیمه اول سال، ۳/۹ است^۱. هر روز ۸ نفر بر اثر اعتیاد جان خود را از دست داده‌اند و آمار سالمندان رها شده در خیابان افزایش یافته است (خبرگزاری شبکه سه سیما، ۱۳۹۴). به گزارش خبرگزاری فارس در بین ۱۸۲ کشور جهان از نظر عدد کاربران اینترنتی که از سایت‌های غیر اخلاقی استفاده می‌کنند، تهران مقام نخست را دارد و پس از آن استان‌های یزد و اصفهان قرار دارند (گلزاری، ۱۳۹۲: ۱۴). نیروی انتظامی اعلام کرد در هفت ماه دوم سال، ۹۹ هزار خرده‌فروش مواد مخدر را روانه زندان کرد (گلزاری، ۱۳۹۰: ۶). براساس آمار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تا تاریخ ۹۳/۷/۱ در مجموع ۲۸۶۶۳ نفر افراد مبتلا به HIV در کشور شناسایی شده‌اند، که ۸۸/۴ درصد مردان و ۱۱/۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. اکثر زنانی که ایدز دارند، از طریق تماس جنسی با همسرانشان به این بیماری مبتلا شده‌اند. در بحث انتقال از طریق تماس جنسی، زنان بیشترین مبتلایان را تشکیل می‌دهند که معمولاً این زنان، همسرانشان به دلیل اعتیاد تزریقی یا تماس‌های جنسی، HIV را به آن‌ها منتقل کرده‌اند؛ ۷۱ درصد مردم ایران ماهواره تماشا می‌کنند (تابناک، ۱۳۹۲). ایرانی‌ها روزانه معادل ۳۰ میلیارد تومان سیگار می‌کشند. میزان مصرف سیگار در ایران در دختران ۳ درصد و در مردان ۲۸ درصد است و شرکت‌های ذی‌نفع به دنبال مصرف بالا در زنان هستند تا سودآوری بیشتری داشته باشند (انتخاب، ۱۳۹۲). صنعت دخانیات برای ترویج مارک‌های خود در فیلم‌ها، معنای قدرتمندی را با استعمال دخانیات در ذهن تماشاگران جوان القا می‌کنند (لوم^۳ و همکاران، ۲۰۰۸، به نقل از داوی و زائو^۴، ۲۰۱۲). طبق آمار سال ۹۱، در شهر تهران، احتمالاً از هر ۵ نفر سرنشینان یک تاکسی ۲ نفر مشکل سلامت روان دارند (گلزاری، ۱۳۹۱: ۸). به گواهی آمار سازمان ثبت احوال، یازده میلیون و دویست هزار نفر مجرد در کشور وجود دارد که ۸۵ درصد آن‌ها زیر ۳۵ سال هستند. این سن برای مردان در تهران ۳۰ و ۳۱ سال و برای زنان ۲۷ و ۲۸ سال است. این آمار نسبت به سال‌های گذشته مثلاً ۸۵ یا ۹۰ و حتی ۹۳ بیان‌کننده بالارفتن سن ازدواج و آمار تجرد است (گلزاری، ۱۳۹۴: ۹).

نه فقط در شهرهای دور افتاده، بلکه در تهران هم هنوز خانواده‌هایی هستند که معتقد

1. <http://www.sabteahval.ir>

2. <http://mehrkhane.com>

3. Lum

4. Davey & Zhao

هستند دختر را چه به تحصیل؟ در بدترین شکل هم ممکن است در تعداد محدودی از خانواده‌ها، دختران کم سن و سال، بازیچه دست بزرگترهایشان می‌شوند و به اجبار به تکدیگری، دستفروشی یا ازدواج در سنین پایین تن می‌دهند. به نظر می‌رسد بروز این نگاه سنتی و ابزاری به دختران در برخی از خانواده‌ها، سبب شده تا امروز در شرایطی قرار گیریم که آمار دختران بازمانده از تحصیل، در شرایط هشداردهنده‌ای باشد (جلالوند، ۱۳۹۴: ۲۰). بنا بر گفته صادق‌نیت، میزان مصرف قلیان در دختران ۱۳ تا ۱۵ سال دو برابر پسران بوده است (خبرگزاری شبکه دو سیما، ۹۴/۳/۴). با توجه به اینکه در بخشی از جامعه، گرایش و اقدام به قلب ماهیت ارزش‌ها، دیده شده است و کم‌توجهی به بنیان مقدس خانواده، شانه خالی کردن از قبول تعهدات و مسولیت‌ها، به ویژه بی‌مهری بخشی از مردان به زنان، رو به افزایش است، پژوهش حاضر بر آن است تا چگونگی بروز دگرگونی‌های ارزشی در افراد به‌ویژه در گروه زنان را بازنمایی کند. بدین منظور پرسش‌های زیر طرح شده است:

۱- عوامل پیدایش و ایجاد دگرگونی‌های ارزشی در افراد به‌ویژه در زنان کدام هستند؟

۲- چه ارتباطی بین عوامل پیدایش دگرگونی‌های ارزشی در افراد وجود دارد؟

۳- روند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد به‌ویژه در زنان چگونه است؟

در پژوهش حاضر از طرح تحقیق کیفی و روش نظریه بر خاسته از داده‌ها استفاده شد. چارچوب مفهومی: مجموعه‌ای از دستورالعمل‌هاست که یک محقق ممکن است، انتخاب کند (ایشنهارت^۱، ۱۹۸۹، به نقل از والش^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). با توجه به تفاوت‌های فلسفی - پارادایمی دو روش کمی و کیفی، در بررسی‌های کیفی به جای استفاده از چارچوب نظری برای تدوین و آزمودن فرضیه‌ها، از چارچوب مفهومی برای استخراج سؤال یا سؤال‌های تحقیق استفاده می‌شود (مکسول، ۲۰۰۵ و ریتچ و لوئیس، ۲۰۰۳: ۴۹، به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۴) که مبتنی بر رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی است. براساس دیدگاه تفسیرگرایی، واقعیت، مشروط به تجربه انسان و تفسیر اوست. انسان با تجربه می‌تواند دانش مربوط به واقعیت را در ذهن خود بسازد. پژوهشگر از راه تعامل با موضوع مورد پژوهش، به شناخت آن نایل می‌شود. در این دیدگاه شناخت امری عینی نیست و ابعاد و تفسیرهای

1. Eisenhardt

2. Walsh



گوناگون دارد (بازرگان، ۱۳۸۴: ۴۱، به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۴). در رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به عنوان رویکرد اصلی در این مطالعه، باور بر این است که با توجه به خلاق بودن ماهیت انسان، سیال بودن واقعیت اجتماعی و ساخته و معنادار شدن در فرایند درک و تفسیر انسان‌ها از آن، نمی‌توان مسیر و روش خاص برای درک واقعیات یا ایجاد تغییر در آن‌ها پیشنهاد کرد (دنزین و لینکلن^۱، ۲۰۱۱؛ نیومن^۲، ۲۰۰۷؛ گوبا و لینکلن^۳، ۲۰۰۵؛ گلیرز^۴، ۲۰۰۱، به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۴). نظریه تفسیری، به درک و فهم عمیق از پدیده مورد نظر دعوت می‌کند (شارماز^۵، ۲۰۰۶: ۱۲۶). با توجه به این تفاسیر، سعی شد تا با استفاده از مطالعه عمیق مشارکت‌کنندگان، فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان نشان داده شود.

روش پژوهش

با نظر به اینکه مطالعه جدی در زمینه فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان به روش کیفی و عمیق انجام نشده بود، پژوهشگران تصمیم گرفتند طرح پژوهش کیفی از نوع «نظریه برخاسته از داده‌ها» را اجرا کنند، تا به روش عمیق به مسأله مورد نظر توجه شود. به کمک این روش می‌توان درباره وقوع یک فرایند یا مشکل یا افراد مورد مشاهده یک نظریه را صورت‌بندی کرد (بازرگان، ۱۳۹۱: ۹۳). پژوهش به روش «نظریه برخاسته از داده‌ها»، برای بررسی پدیده‌های چند وجهی از جمله بررسی مسائل اجتماعی مناسب است (جونز و آلونی^۶، ۲۰۱۱). این روش یک راه برای تفکر درباره داده‌ها با هدف دستیابی به مفهوم آن‌ها است (شارماز^۷، ۲۰۰۹، به نقل از الحسین^۸ و همکاران، ۲۰۱۴). کشور ایران، از تمدن‌های دیرین به‌شمار می‌رود که از گذشته‌های دور، یکتاپرست بوده‌اند

1. Denzin & Lincoln
2. Neuman
3. Guba & Lincoln
4. Glaser
5. Charmaz
6. Grounded theory
7. Jones & Alony
8. Charmaz
9. El Hussein

و مردان و زنان آن، سعی در تحصیل و پشتیبانی ارزش‌های راستین انسانی داشته‌اند. با وجود این و به رغم وجود آموزه‌های غنی فرهنگ اسلامی - ایرانی، شاهد بروز دگرگونی‌های هویتی و ارزشی در جامعه هستیم، پژوهشگران تصمیم گرفتند با رویکردی ژرفانگر، به درک عمیقی از چگونگی بروز دگرگونی‌های ارزش‌ها در جامعه و به ویژه در زنان دست یابند. به منظور انتخاب مناسب مشارکت‌کنندگان، از راهبرد نمونه‌گیری نظری^۱ استفاده شد، یعنی پژوهشگر از طیف افراد بالقوه برای مشاهده، کسانی را انتخاب می‌کند که بتوانند در فرآیند گردآوری، خزانه داده‌های مورد نیاز را غنی کنند تا امکان ساختن نظریه فراهم شود (بازرگان، ۱۳۹۱: ۵۵). این نمونه‌گیری نظریه در حال ظهور به سوی واقعیت را بررسی می‌کند و توسط آن می‌توان ادعاهای در حال توسعه را با دقت شرح داد و به چالش طلبید (ویلینگ^۲، ۲۰۱۳).

ابتدا نمونه‌گیری هدفمند^۳ انجام شد. در این روش پژوهشگر، آگاهانه مشارکت‌کنندگان را انتخاب می‌کند (جلالی، ۱۳۹۱: ۳۱۳). و سپس به روش گلوله برفی^۴، بقیه مصاحبه‌شوندگان انتخاب شدند. پژوهشگر زمانی که تعداد کمی نمونه پیدا می‌کند، از مشارکت‌کنندگان می‌خواهد تا دیگرانی را معرفی کنند که دارای ویژگی‌های مشترکی هستند (همان منبع: ۳۱۵). افراد مصاحبه‌شونده از شهرهای قزوین، تهران و سنجند بودند. در این پژوهش با ۳۶ نفر از زنان و مردان (۱۲ مرد و ۲۴ زن)، مصاحبه شد. افراد از طیف مختلفی از گروه‌های سنی بزرگسالان، تحصیلات زیر دیپلم تا دکتری، زنان شاغل در پست‌های دولتی و غیر دولتی، زنان خانه‌دار و مردان شاغل انتخاب شدند که همگی از سطح رفاهی متوسط و بالاتر بهره‌مند بودند. در حین مصاحبه که طی ۴۵ - ۶۰ دقیقه انجام شد، در فرآیند مصاحبه‌های اولیه و پس از اولین گدگذاری‌ها، محقق متوجه شد که برخی از مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به سؤال‌ها، به گونه‌ای کلی‌گویی کرده‌اند و با پیگیری‌های بعدی متوجه شد که آن‌ها، برای جلوگیری از افشای اطلاعات خانوادگی و تجارب زیسته نزدیک به خود و اعضای خانواده، مجبور به کلی‌گویی شده‌اند. بنابراین، سعی شد برای گردآوری داده‌ها از چند فن متنوع استفاده شود که هریک از شرکت‌کنندگان، به تناسب و انتخاب خود، در آن مشارکت می‌کردند. بنابراین، به منظور

-
1. theoretical sampling
 2. Willig
 3. Purposive sampling
 4. Snowball sampling

افزایش صحت و زمینه‌سازی برای چندسویه‌سازی یافته‌ها از سایر فنون گردآوری داده‌ها چون مشاهده و نامه‌نگاری نیز استفاده شد. در جمعی از زنان، بعد از ارائه توضیح درباره هدف پژوهش و تبیین مسأله، از ایشان خواسته شد تا نامه‌هایی را در راستای هدف پژوهش، بدون ذکر نام تدوین کنند و در محلی از پیش تعیین شده توسط پژوهشگر، قرار دهند و اشخاصی که به علت محدودیت حاصل از مسافت، دسترسی حضوری فراهم نبود، توجیه ایشان به صورت تلفنی و دریافت نامه‌ها به طریق الکترونیکی انجام شد؛ بدین ترتیب دریافت ۱۵ نامه میسر شد. به منظور افزایش صحت و باورپذیری داده‌های گردآوری شده و بررسی میزان همگرایی و غنی‌سازی یافته‌ها، از چند منبع و فن برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. بدین منظور از چهار فن مختلف، شامل الف) مشاهده؛ ب) مصاحبه انعطاف‌پذیر با اشخاص صاحب‌نظر؛ ج) مصاحبه با انعطاف‌پذیری متوسط یا منظم؛ د) نامه‌های گروهی از زنان برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. در انجام مصاحبه‌ها از دو نمونه فرم نیمه ساختارمند با سؤال‌های تقریباً مشخص، که سؤال‌ها در حین مصاحبه توسط پژوهشگر تعدیل می‌شد، و بدون ساختار و انعطاف‌پذیر استفاده شد. به منظور افزایش اعتبار مصاحبه، ابتدا سؤال‌هایی مطرح شد که میزان حساسیت کم‌تری ایجاد می‌کنند، سؤال‌ها با یک رابطه منطقی به یکدیگر مربوط شدند و مقدمه‌ای در رابطه با پژوهش به شخص مصاحبه‌شونده ارائه شد. از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا به سؤال‌هایی چون «از کدام ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند؟ روزانه چه میزان از زمان خود را صرف استفاده از آن‌ها می‌کنند؟»، «زنان در جامعه ما با چه مشکلاتی مواجه هستند؟» و... پاسخ دهند. در ضمن به شخص مصاحبه‌شونده اطمینان داده شد که نام شخص محرمانه باقی خواهد ماند. همچنین مکان مصاحبه و شکل مصاحبه که به صورت حضوری باشد یا تلفنی بنا به راحتی مصاحبه‌شوندگان در نظر گرفته شد.

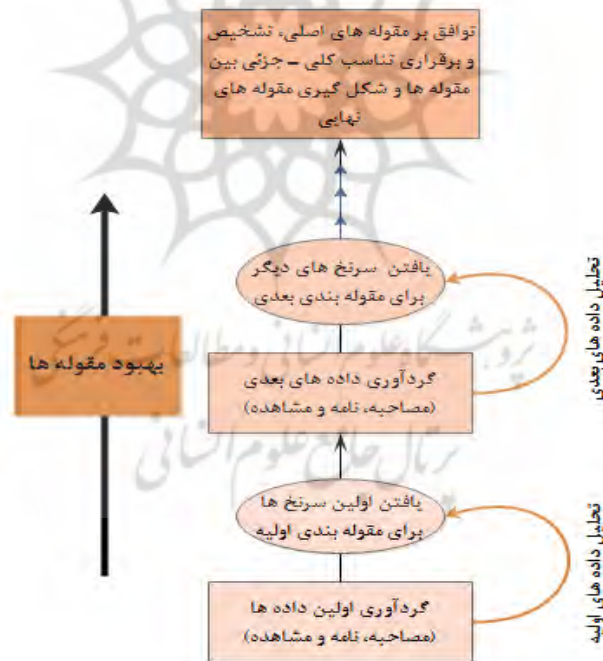
در این پژوهش از فن مشاهده کیفی و از نوع «مشاهده‌گر به عنوان مشارکت‌کننده» استفاده شد. بیش کسب‌شده از مشاهده، بعید است که از مصاحبه به تنهایی به دست آید (موریارتی^۱، ۲۰۱۱: ۱۰). مشاهده کیفی اغلب جنبه اکتشافی دارد و مشاهده‌گر از یادداشت‌های میدانی استفاده می‌کند. «مشاهده‌گر به عنوان مشاهده‌کننده» نیز به این معنا است که مشاهده‌گر مدت محدودی در میان گروه می‌ماند و به آن‌ها اطلاع می‌دهد که گروه را مطالعه می‌کند (شریفی،

۱۳۸۵؛ به نقل از فرجی، ۱۳۸۹: ۲۳۶). در هنگام استفاده از فن مشاهده، داده‌ها را پس از مشاهده رفتار افراد در محیط مورد نظر (به طور مثال به عنوان مشاهده‌گر کنار همسرانی حضور یافتیم که در شبکه‌های اجتماعی مجازی فعالیت دارند)، بر روی برگه یادداشت و سپس نکات مهم در متن مشخص شد. همچنین در هنگام مصاحبه، سخنان مصاحبه‌شوندگان در همان لحظه، یادداشت و داده‌ها تحلیل شد، و پس از مقایسه‌های متوالی و غور در متن مصاحبه‌ها، اولین مقوله‌ها استخراج و تدوین شد؛ در مصاحبه‌های بعدی، گردآوری داده‌ها به همین شیوه و با هدف دستیابی به سرخ‌های بیشتر و کسب شناخت عمیق‌تری از پدیده ادامه یافت. این رویه تا زمان اشباع، ادامه داشت. یعنی زمانی که دیگر داده‌ها از لحاظ ذهنی به پژوهشگر، در تدوین مقاله شناخت بیشتری نداد. فرایند مشاهده و در هم تنیدن داده‌های حاصل از آن، در شکل ۱ آورده شده است:



شکل ۱: فرایند مشاهده و در هم تنیدن داده‌های آن با سایر داده‌ها

در این مطالعه که بر پایه روش نظریه برخاسته از داده‌ها از نوع سیستماتیک تنظیم شده است، سعی شد تا با تلفیق رویکردی سیستماتیک روش پیشنهادی اشتراک و کربین^۱ و انعطاف‌پذیری روش نوحاسته گلیر^۲، از مزیت‌های هر دو استفاده شده و فرایند مطالعه بهبود یابد. بدین منظور از روش نوحاسته در بخش مربوط به تحلیل داده‌ها نیز استفاده شد؛ از جمله اینکه در ورای نمونه‌گیری از داده‌ها، به خاطر ارزش نظری آن‌ها، پژوهشگر از شیوه نوحاسته نیز استفاده کرد و آن فرآیندی است که در آن پژوهشگر، هنگام گردآوری داده‌ها، بلافاصله تحلیل می‌کند، نه اینکه صبر کند تا تمام داده‌ها گردآوری شود و پژوهشگر در جست و جوی سرخ‌هایی برای جمع‌آوری بیشتر داده‌ها است (بازرگان، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

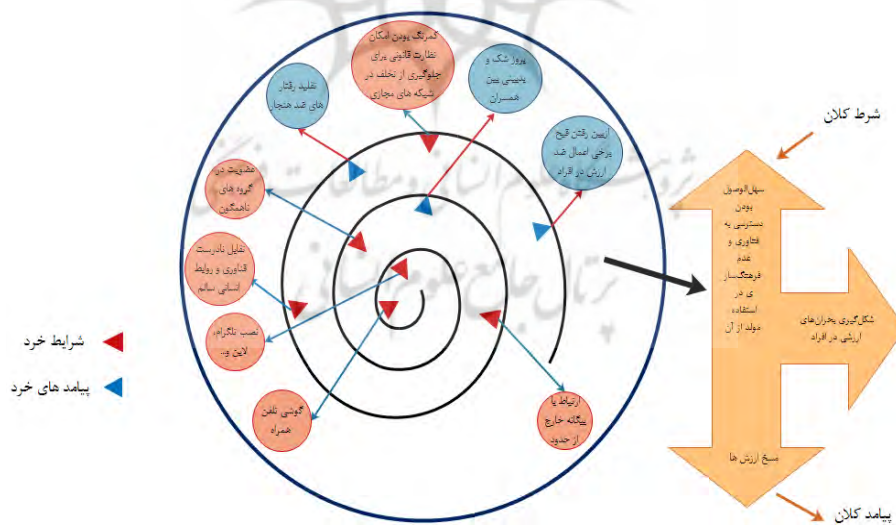


شکل ۲: گردآوری و تحلیل داده‌ها بر پایه روش نوحاسته

1. Strauss & Corbin
2. Glaser

به منظور تحلیل داده‌ها، از ماتریس شرطی- پیامدی^۱ استفاده شد؛ این ابزار فکر را در خصوص روابط میان شرایط-پیامدهای کلان و خرد با یکدیگر و با فرآیند بر می‌انگیزاند (استراوس و کربین، ترجمه افشار، ۱۳۹۰: ۲۰۱). (به شکل ۳ نگاه کنید).

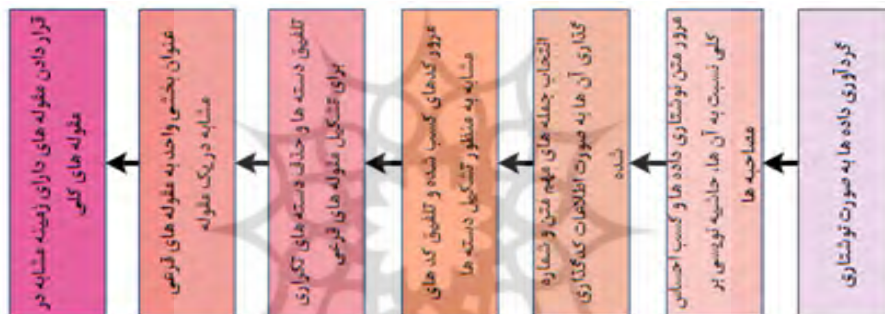
ماتریس از شماری دایره متحدالمركز و به هم پیوسته تشکیل می‌شود. پیکان‌های به سمت درون، شرایط را نشان می‌دهد که موجب زمینه‌سازی برای شکل‌گیری مقوله «سهل‌الوصول بودن دسترسی به فناوری و عدم فرهنگ‌ساز شدن» را نمایش می‌دهد که از شرایط زمینه‌ای در شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان است و پیکان‌های دیگر که به سمت خارج ماتریس حرکت می‌کنند، باعث بروز پیامد در شکل‌گیری مقوله «مسخ ارزش‌ها» را به تصویر می‌کشند که از پیامدهای شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان است. این ماتریس بر اساس داده‌های حاصل از مشاهده مشارکتی، که در بین زوجین عضو در گروه‌های اجتماعی مجازی انجام شد، روابط شرایط و پیامد را در این پژوهش نشان می‌دهد.



شکل ۳: ماتریس شرطی/پیامدی - تعامل فرآیند با شرایط و پیامدها در نمونه‌ای از داده‌های حاصل از مشاهده مشارکتی در شکل‌گیری مقوله‌ها

1. Conditional consequential matrix

همچنین، برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری باز^۱، محوری^۲ و گزینشی^۳ استفاده شد. از داده‌های به‌دست آمده، پایگاه داده‌ها ایجاد شد و داده‌های خام، به‌خوبی سازماندهی شد تا تحلیل آن‌ها به آسانی انجام شود، در مرحله کدگذاری باز، پس از بررسی دقیق مصاحبه‌ها، نامه‌های زنان و یادداشت‌های به‌دست آمده از مشاهدات، ۸۱ دسته حاصل شد و این دسته‌ها ۴۱ مقوله فرعی را تشکیل دادند؛ در نهایت ۱۰ مقوله و ۳ مقوله کلی به‌دست آمد.



شکل ۴: فرآیند تحلیل داده‌ها

سپس پژوهشگران به بررسی مقوله‌های به‌دست آمده و تشخیص رابطه آن‌ها اقدام کردند و مقوله‌ای را که با بقیه مقوله‌ها بیشترین ارتباط را داشت، به عنوان «مقوله محوری» در نظر گرفته شد. هر قطعه از داده‌ها به اندازه کافی بازبینی شد تا داده‌های رقیب در برداشت پژوهشگر سوگیری^۴ ایجاد نکند. چرا که نظریه برخاسته از داده‌ها بر الگوهای کشف شده از داده‌های مبتنی بر تجربه استوار است و از استنتاج، پیش‌داوری یا تداخل عقاید پژوهشگر ناشی نمی‌شود (گسون، ۲۰۰۳، ۵). سپس با تحلیل روایت‌ها، نامه‌ها و داده‌های حاصل از مشاهدات، نوع ارتباط سایر مقولات با مقوله اصلی، به صورت شرایط علی (مقوله‌ها یا شرایطی که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند)، شرایط زمینه‌ای (شرایط ویژه‌ای که راهبردها را تحت تأثیر قرار می‌دهند)، مقوله اصلی (پدیده اصلی یعنی هسته فرایند مورد مطالعه)، شرایط واسطه‌ای (شرایط

1. Open coding
2. Axial coding
3. Selective coding
4. biased
5. Gasson

عمومی محیطی که راهبرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد)، راهبردها (اقدامات یا تعامل‌های ویژه‌ای که از پدیده اصلی حاصل می‌شود) و پیامد (نتایجی که در اثر راهبردها پدیدار می‌شود)، مشخص شده (بازرگان، ۱۳۹۱: ۱۰۰ و ۱۰۱) و براساس پارادایم کدگذاری محوری به شکل تجسمی درآمدند. در مرحله کدگذاری گزینشی روابط میان مقولات، که به واسطه تحلیل داده‌ها به شکل حکایت‌گونه صورت‌بندی شدند و به این ترتیب نظریه میانی به دست آمده از پژوهش تکوین یافت (بازرگان، ۱۳۹۱: ۹۷-۱۰۳).

جدول ۱: ویژگی مشارکت‌کنندگان

ویژگی‌های فردی	سطوح	تعداد		جنسیت (در مصاحبه)
		مصاحبه	نام (مختص بانوان)	
گروه سنی	۳۰-۲۰	۱۰	۵	مرد ۳، زن ۶
	۴۰-۳۱	۱۶	۶	مرد ۶، زن ۱۲
	۵۰-۴۱	۶	۳	مرد ۲، زن ۳
	۵۱ به بالا	۴	۱	مرد ۱، زن ۳
	زیر دیپلم	۴	۲	مرد ۱، زن ۳
	دیپلم	۴	۳	مرد ۲، زن ۲
تحصیلات	فوق دیپلم	۶	۳	مرد ۳، زن ۳
	کارشناسی	۱۶	۵	مرد ۳، زن ۱۳
	کارشناسی ارشد	۴	۲	مرد ۱، زن ۳
	دکتری	۲	-	مرد ۲، زن -
شغل	شاغل	۲۷	۱۰	مرد ۱۱، زن ۱۶
	غیر شاغل	۹	۵	مرد ۱، زن ۸
	قزوین	۲۱	۹	مرد ۶، زن ۱۵
شهر	تهران	۹	۳	مرد ۳، زن ۶
	سندج	۶	۳	مرد ۳، زن ۳

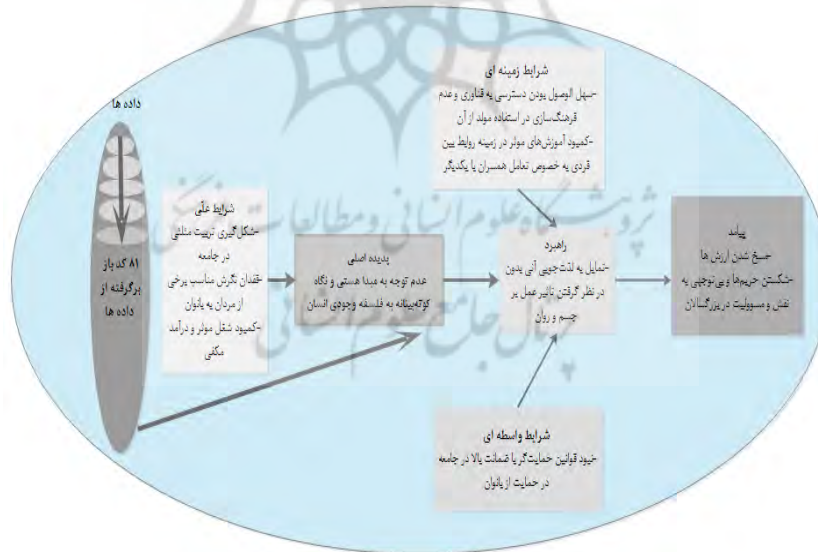
برای کنترل اعتمادپذیری، از جنبه ثبات به آن توجه شد؛ به این معنا که پژوهشگران یک متن را چند مرتبه کدگذاری کنند و میزان قرارگیری مقوله‌ها در دسته‌ای خاص مانند دفعه قبل باشد. همچنین برای اعتباربخشی به یافته‌ها، از روش‌های خاص پژوهش‌های کیفی مانند کنترل مقوله‌ها توسط مشارکت‌کنندگان^۱، که توسط ۴ نفر از مصاحبه‌شوندگان و ۲ نفر از زنان انجام

1. Member check

شد که نامه‌ها را در اختیار قرار داده بودند و نیز برای تأیید تفسیرهای به‌دست‌آمده، از منابع مختلف داده‌ها (مصاحبه، نامه و مشاهده) استفاده شد تا تطابق همگونی داده‌ها^۱ محرز شود (لازار و همکاران، ترجمه بازرگان و بازرگان: ۱۲۰).

یافته‌های پژوهشی

باتوجه به روش پژوهش مورد استفاده در این مطالعه، یافته‌ها در دو بخش ارائه می‌شوند. در بخش اول، مقوله‌های به‌دست آمده بر اساس شاخص‌های شش‌گانه اصلی در «دیدگاه‌های زیربنایی»^۲ کدگذاری محوری ارائه می‌شود (به شکل ۵ مراجعه کنید). کدگذاری محوری به سؤال‌های مانند چه وقت، کجا، چرا، چه کسی، چگونه و با چه عواقبی درباره پدیده مورد بررسی پاسخ می‌دهد. با این پرسش‌ها یک محقق می‌تواند به طور کامل تجربه‌های مورد مطالعه را شرح دهد (شارماز، ۲۰۰۶: ۶۰).



1. Data source triangulation
2. paradigm

شکل ۵: فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان از کُندگاری باز تا کُندگاری محوری

در بخش دوم، الگوی تجسمی به دست آمده از پژوهش آورده می‌شود که به کمک آن می‌توان نظریه میانی را تکوین کرد (به شکل ۶ نگاه کنید).

جدول ۲: مقوله‌های کلی، مقوله‌ها، مقوله‌های فرعی و مصادیقی از مقوله‌های فرعی استخراج شده از روایت‌های مشارکت‌کنندگان

مقوله کلی	مقوله	مقوله فرعی	برخی از مصادیق مربوط به هر مقوله فرعی
علل اعتقادی	عدم توجه به مبدأ هستی و نگاه کوتاه‌بینانه به فلسفه وجودی انسان	فراموشی یاد خدا در هر مکان و زمان	در مهمانی‌ها؛ در اوقات تنهایی
		بی توجهی به آموزه‌های دینی	در زمینه حقوق والدین تا همسر
		بروز نگاه تک‌بعدی و تک‌ساحتی به انسان و فلسفه زندگی	پیرنگ شدن بعد جسمانی انسان
		دل‌بستگی به خوشی‌های زودگذر	کسب مقام‌های مادی
	مسخ شدن ارزش‌ها	دنیا به عنوان محملی برای لذت‌جویی و کامیابی	توجه افراطی به برآوردن امیال غریزی
		جایگزینی فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ اسلامی در اذهان	از پوشش تا رفتار و گفتار
		تقلید رفتارهای ضد هنجارهای اسلامی-ایرانی	پوشش و آرایش نامناسب بانوان؛ پوشش مردان
		سعی برخی افراد در پیشی گرفتن در رفتارهای ضد ارزش	بی‌توجهی به حریم‌های بین مرد و زن نامحرم
علل فردی	تمایل به لذت‌جویی آنی بدون در نظر گرفتن تأثیر عمل بر جسم و روان	توجه به بازتاب لحظه‌ای رفتارها	توجه به آثار خشنودکننده لحظه‌ای رفتارها
		توجه به بازتاب لحظه‌ای رفتارها	بی‌توجهی به تبعات منفی رفتار در دراز مدت
		در نظر گرفتن سود و منافع شخصی	منفعت طلبی مالی شخصی
		عدم توجه به امر ازدواج	زیرزمینی شدن برآوردن نیازهای غریزی
	شکستن حریم‌ها و بی‌توجهی به نقش و مسوولیت در	تردید نسبت به اهمیت و لزوم ازدواج دائم در بین جوانان	ازدواج خارج از چارچوب شرع؛ بالا رفتن سن ازدواج
		رواج هرزه نگاری	افراد مجرد تا متأهلین
		عدم توجه به نیازمندان	سرپرستان کم توان خانوارها؛



مقوله کلی	مقوله	مقوله فرعی	برخی از مصادیق مربوط به هر مقوله فرعی	
	بزرگسالان	بروز بی‌تفاوتی در بین افراد نسبت به هم‌نوع و آرمان‌های جامعه	زنان بی‌سرپرست و بد سرپرست کودکان کار؛ کارتن خواب‌ها؛ معتادین به مواد افیونی	
		پوشش، آرایش و رفتارهای خارج از عرف بانوان در رسانه‌های خارجی	در رسانه‌های خارجی تا برخی فیلم‌های داخلی	
شکل‌گیری تربیت مثلی در جامعه		سهل‌گیری در تربیت فرزندان در برخی خانواده‌ها	بی‌توجهی به آموزه‌های دینی یا اخلاقی	
		مغایرت آموزش و تربیت در نهاد مدرسه و خانواده	عدم اعتقاد واحد خانواده‌ها با مدارس به پوشش صحیح	
		ناهماهنگی تربیتی بین والدین	عدم توافق برای تهیه امکانات مورد نیاز دانش‌آموزان در سن خاصی	
علل اجتماعی	فقدان نگرش مناسب برخی از مردان به بانوان	دست پایین گرفتن بانوان	توهین و تحقیر بانوان	
		خشونت جسمی و روانی علیه بانوان	تهدید لفظی؛ تهدید به جدایی؛ کتک زدن	
		کم‌توجهی به برآوردن نیازهای بانوان در خانواده	نیازهای مادی تا روانی و عاطفی	
		عدم آشنایی با ویژگی‌های روانی و جسمی بانوان و تعمیم نگاه و تلقی مردسالارانه به زنان و در نتیجه بروز انتظار نامتناسب از آنها	استقلال فکری تا عملی	
		کم‌ارزش تلقی کردن امور مربوط به خانه‌داری و کارهای زنان	وظیفه دانستن فداکاری‌ها عدم قدردانی شایسته	
	کمبود شغل موثر و درآمد مکفی		دستمزد پایین در برخی مشاغل	منشی؛ مهد کودک‌ها؛ کارگران کارخانه‌ها
			بیکاری جوانان	عدم پرداخت مزایای اضافه بر شغل
			بالا بودن هزینه‌های جاری در خانواده‌ها	شکل‌گیری مشاغل کاذب؛ دستفروشی، مسافرخشی
			عدم تناسب بین رشد نرخ تورم و دستمزدها	ایاب و ذهاب فرزندان؛ قیوض آب و برق و...
			قدرت پایین بانوان از لحاظ اقتصادی	بالا رفتن قیمت کالا و خدمات؛ پایین بودن درآمد
نبود قوانین حمایت‌گر با ضمانت بالا در جامعه در حمایت از بانوان		برآورده نشدن حقوق بانوان در خانواده و جامعه	سیطره برخی مردان بر اموال همسر حقوق مادی مانند مهریه؛ نیاز به عشق و تعلق	
		نیبود قانون تعیین درآمد برای زنان خانه‌دار و امور مربوطه	عدم دریافت حق الزحمه خانه‌داری در زنان	

مقوله کلی	مقوله	مقوله فرعی	برخی از مصادیق مربوط به هر مقوله فرعی	
مقوله کلی	سهل الوصول بودن دسترسی به فناوری و عدم فرهنگ‌سازی در استفاده مولد از آن	سهولت در دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مجازی	عضویت در شبکه‌های تلگرام، لاین و...	
		سهولت در دسترسی به شبکه‌های ماهواره ای	تهیه و نصب راحت ماهواره با قیمت پایین	
	کمبود آموزش‌های آموزش نحوه استفاده صحیح از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات	شکل‌گیری ابهام در روابط، بدبینی و سوءظن	کنترل همسر	استفاده از سایت‌های مخرب، فیلم‌های مستهجن و...
		عدم تدارک فرصت‌های مناسب آموزش ارتباطات موثر بین زوجین در جامعه	توجه به وسایل ارتباطی نوین بی توجهی به نیازهای اجتماعی انسانی	تصمیم‌گیری نامناسب در موقعیت‌های تنش‌زا بهره‌گیری صرف از آموزش‌های سنتی در همسر‌داری
	کمبود آموزش‌های آموزش‌های موثر در زمینه روابط بین فردی به خصوص تعامل همسران با یکدیگر	زمینه‌سازی برای کمرنگ شدن صداقت بین همسران	دورویی و مخفی کاری لفظی تا عملی	تحمل زندگی مشترک برای جلوگیری از آسیب شخص سوم مانند فرزند
		بروز سردی در روابط بین زوجین	کاهش و یا حذف روابط جسمی و عاطفی بین همسران	

بخش اول: تحلیل مقوله‌ها

۱. پدیده اصلی در فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان «عدم توجه به مبدا هستی و نگاه کوتاه‌بینانه به فلسفه وجودی انسان»: با توجه به تجارب مشارکت‌کنندگان و پس از تحلیل ادراکات ایشان، «عدم توجه به مبدا هستی و نگاه کوتاه‌بینانه به فلسفه وجودی انسان»، به عنوان مقوله محوری انتخاب شد که با یکایک مقوله‌ها ارتباط داشت و می‌توان آن را به عنوان پدیده اصلی در فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در

افراد با محوریت زنان دانست. ادیان الهی، جملگی به وجود آفریننده برای هستی معتقد هستند. از این رو در ترسیم خط حیات برای انسان، مسیری پیوسته و جاودان پیش‌بینی کرده‌اند که با مرگ دنیوی خاتمه نخواهد یافت، در مقابل مکاتب فلسفی که برای انسان زندگی مادی صرف قائل هستند، در پیش‌بینی هدف والا برای زندگی دچار ناتوانی شده‌اند و زندگی مادی صرف بی‌شک هدف مادی خواهد داشت که موجب انحراف از انسانیت خواهد شد چراکه از نظر ایشان، انسان چند صباحی در این دنیا سر می‌کند. پس سعی در برآوردن هرچه بیشتر امیال و آمال خود خواهد داشت. اینجاست که نفس بی‌قید آدمی، ارزش‌های والای انسانی را پس می‌زند. در ادامه دیدگاه‌های چند نفر از مشارکت‌کنندگان در قالبی روایت‌گونه^۱ آورده شده است:

«فکر می‌کنم خانم‌هایی که با سر و وضع ناجور در اجتماع حاضر میشن و حتی برخی دیگه حرمت مراسم و مکان‌های مقدس رو نگه نمی‌دارن، به علت اینه از یاد خدا غفلت کردن نمیتونن بر کاستی‌های وجودشون غلبه کنن و به این شکل سعی می‌کنن روی کاستی‌هاشون رو بیوشونن، خداوند فرمودن که خودش ما را به وسیله فضل خود بی‌نیاز میکنه و اگه به این اصل ایمان داشته باشیم می‌تونیم با شرایط سخت و نیازمندی که ممکنه به شکل‌های مختلف برای هر انسانی رخ بده کنار بیام و در غیر این صورت ممکنه به کارهای ضد ارزش دست بزنینم و به خطا بریم» (مصاحبه‌شونده ۷).

«وقتی ایمان انسان کم‌رنگ میشه و همه چیز رو خلاصه در این لحظه می‌بینه در برابر مشکلات طاقتش کم میشه و دوست داره که از هر طریق ممکن مشکلاتش رو برطرف کنه حتی به قیمت در نظر نگرفتن دیگران. اگر خدا رو ناظر اعمالمون بدونیم دیگه به هر کاری دست نمی‌زنیم. اینکه بتونیم صبر کنیم خودش از ایمان ناشی میشه و این باور اگه خوب شکل نگرفته باشه میتونه باعث انحراف آدم بشه. خود من بعضی اوقات که بخوام تصمیمی بگیرم و مردد باشم نگاه میکنم ببینم که خداپسندانه باشه و اینطوری دیگه خطا نمی‌کنم» (مصاحبه‌شونده ۱۰).

«وقتی که تنها هستم سراغ استفاده از سایت‌های غیر اخلاقی می‌روم، فیلم‌ها و عکس‌های زننده می‌بینم و در آن لحظه، چون هیچ کس رو در اطراف خود حس نمی‌کنم به این سمت

کشیده می‌شوم. در آن شرایط به هیچی فکر نمی‌کنم. اما بعد از هرزه‌گردی و دیدن نادیدنی‌ها معمولاً به شدت عصبی می‌شوم و به اطرافیانم پرخاشگری می‌کنم و احساس گناه به سراغم می‌آید و یادم می‌آید که خدا من را می‌بیند» (مصاحبه شونده ۸).

از آنجا که طبق یافته‌ها، فراموشی یاد خدا و توجه لحظه‌ای به زندگی انسان، باعث ایجاد رفتارهای ضدارزش شده است و این مقوله با سایر مقوله‌ها به نحو آشکاری در ارتباط بود که مشارکت کنندگان بر نقش و نتایج این عدم توجه، به طور مستقیم و غیرمستقیم اشاره داشته‌اند، نقش اصلی و هسته‌ای این مقوله، در فرایند مورد مطالعه شناسایی شد.

۲- شرایط علی در فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان

شکل‌گیری تربیت مثلثی در جامعه: بررسی روایت‌ها و نامه‌ها نشان داد که شواهدی مبنی بر تفاوت در نوع تربیت در سه حوزه خانواده، مدرسه و رسانه‌ها (مخصوصاً رسانه‌های بیگانه) مشاهده می‌شود. آنچه در واقع مشاهده می‌کنیم، نبود وحدت رویه در تربیت کودکان و نوجوانان که به نظر می‌رسد، عامل اصلی در بروز و تقویت این ناهماهنگی، بزرگسالان جامعه هستند. به نظر می‌رسد فرزندان، دست کم با سه نوع تربیت مواجه هستند که موجب دگرگونی فکر آن‌ها شده است: تربیت رسمی که بر عهده مدارس است و هماهنگ با دین و سنت‌های حاکم بر جامعه است، در ضلع دیگر خانواده‌ها هستند که ممکن است بعضاً از روی ناآگاهی و یا به دلیل کم‌رنگ بودن اعتقادات صحیح، اقدام به تربیت فرزندان با ظواهر منش و خوی اروپایی و آمریکایی کنند که با فرهنگ ملی و دینی ایرانیان در تناقض است. ضلع سوم این مثلث رسانه‌ها هستند. استفاده از شبکه‌های خارجی که دائماً در حال تبلیغ و ترویج آزادی در پوشش و برقراری روابط آزاد بین افراد بدون توجه به تعهدات خود هستند در روح و روان برخی از افراد دمیده شده و هنجارشکنی را عادی می‌کند.

«در مهمانی‌های ما برخی از خانوما از لباس‌ها و آرایش‌های زننده استفاده می‌کنند، با این که ما مسلمانیم و نماز بر ما واجب است همیشه ناخن‌هایشان لاک‌های آنچنانی دارد، این‌ها یا کلاً قید نماز خوردن رو زدن و یا معتقدند که خدا قبول می‌کند و همون طوری وضوی ظاهری می‌سازند و به نماز می‌ایستند» (مصاحبه شونده ۱۲).

«وقتی شاگردای مدرسه را در خیابان می‌بینم، با سرو صورت نامناسب تا نزدیک من می‌شوند روسریشون را جلو می‌کشن و اونجا من متأسف می‌شوم که در مدرسه ما فقط

توانستیم تقوای ظاهری در آن‌ها شکل بدیم و از تقوای حضور در این دست از دانش‌آموزان خبری نیست» (نامه ۱).

«ما خونمون از ماهواره استفاده می‌کنیم، الان که عهد تیر کمون نیست ما شبکه‌های ناجور رو بستیم» (مصاحبه شونده ۲۳).

«دانش‌آموز من سی‌دی مستهجن در مدرسه رد و بدل می‌کرد، پس از اطلاع یافتن دفتر دبیرستان، دانش‌آموزم گفت که این سی‌دی را از داخل جعبه سی‌دی‌های پدرش برداشته است. پدر دانش‌آموزم هنگام مراجعه به مدرسه و اطلاع از کار دخترش، فقط توانست سرش را پایین بیندازد و نتوانست چیزی بیان‌کند، واقعاً تأسف‌آور بود» (نامه ۴).

فقدان نگرش مناسب برخی از مردان به زنان: در بررسی داده‌ها متوجه شدیم گاهی اوقات زنان دست‌کم گرفته می‌شوند و برخی مردان سعی می‌کنند زنان را که چه بسا در جایگاه رفیع اجتماعی و خانوادگی باشند، به دیده اهانت بنگرند. اعمال خشونت تنها برخورد فیزیکی نیست، شواهد و مستندات نشان می‌دهد که هم‌اینک برخی از زنان تحت خشونت‌هایی از جمله خشونت‌های عاطفی، روانی واقع می‌شوند، که راه چاره‌ای برای گریز از آن ندارند، یا باید از همسر خود جدا شوند و فرزندان خود را رها کنند، یا بمانند و تحمل کنند.

«روزی یکی از همکارانم را در خیابان دیدم با ایشان چند دقیقه‌ای صحبت نمودم، پس از برگشتن به منزل همسر من این موضوع به من گیر داد و ما با هم مشاجره کردیم، اون روم دست بلند کرد.» (مصاحبه شونده ۱۱). «یک وقتایی پیش آمده که من و همسر من سر مسأله جزئی اختلاف نظر پیدا کردیم، پس از این مورد اون قهرای طولانی می‌کند و خیلی طول می‌کشد تا به قهرش پایان دهد. او معتقد است این طوری می‌تواند مرا ادب کند. آن قدر تحت فشار عاطفی می‌مانم که خدا می‌داند» (نامه ۱۰)؛

«حقوق دریافتیم کاملاً در خانه خرج میشه، اما همسر من همیشه میگه که دوستاش راست میگن که پول زن نجسه و اینجوری تمام تلاش من رو نادیده میگیره» (مصاحبه‌شونده ۱).

کمبود شغل مؤثر و درآمد مکفی برای جوانان: پس از تحلیل داده‌ها شواهد بسیاری مبنی بر مؤثر بودن این مقوله در ایجاد دگرگونی در ارزش‌ها به دست آمد. برآورده شدن نیازهای جسمی و روحی از طریق صحیح پایه فعالیت‌های دیگر است. بعضاً جوانان تحت فشارهای جسمی و عاطفی قرار می‌گیرند، چراکه سن ازدواج بالا رفته است و به طبع آن بعضی از افراد

سعی در برآوردن نیازهای خود در خارج از محیط خانواده دارند. امروزه تقوا پیشه کردن و سرکوب کردن غرایز با سیل عظیم عوامل محرک بشر، مشکل به نظر می‌رسد. شبکه‌های ماهواره‌ای که اغلب مردم کشور از آن بدون توجه کافی به محتوا، پیام و اثرگذاری برنامه‌ها استفاده می‌کنند، اینترنت پرسرعت و فیلترشکن‌های قوی، شکل نگرفتن تقوای حضور در جوانان، همه این عوامل آسیب‌پذیری در بین جوانان و مخصوصاً زنان را افزایش داده است.

اگر زمینه اشتغال مناسب جوانان با درآمد مکفی فراهم شود، خود به‌خود بسیاری از مسائل امروز حل خواهد شد و افراد برای زمان خود برنامه صحیح خواهند داشت.

«با اینکه تحصیلات دانشگاهی دارم، اما با رشته تحصیل خودم نتوانستم کار مناسب که جوابگوی خانواده باشد پیدا کنم، قراردادهای چند ماهه می‌بندم و متوسط ماهی چهارصد تومان دریافت می‌کنم، یک خودرو خریداری کردم و بعد از ظهر مسافركشی می‌کنم، تازه پلیس اگر بداند مسافر جابه‌جا می‌کنم جریمه‌ام می‌کند، اما من می‌خواهم نان حلال برای زن و بچه‌ام تهیه‌کنم هیچ زمانی برای رسیدگی به خودم ندارم و شب که به منزل می‌روم خستگی امانم را بریده است» (مصاحبه شونده ۹).

«الان چند سال است که نامزد هستیم چون باید چند قلم کالا تهیه‌کنم، برای مراسم عروسی و خرید طلا و رهن منزل باید پول جمع‌کنم، دوران نامزدی که طولانی شود سبب ایجاد اختلاف بین طرفین می‌شود و ما هم از این قاعده مستثنی نبودیم» (مصاحبه شونده ۱۴).

«چند جا رفتم و مدارک دادم تا شاید کاری پیدا‌کنم، قرار شد زنگ بزنی اما خبری نشد، الان هر جا خواستگاری میری انتظار دارن به شغل قابل قبول و درآمد خوبی داشته باشی به همین علت الان که نزدیک سی سال دارم هنوز مجرد هستم» (مصاحبه شونده ۲۹).

۳: شرایط واسطه‌ای در فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان

نبود قوانین حمایت‌گر با ضمانت بالا در جامعه در حمایت از زنان: شواهد نشان دادند که وقتی زنان نیاز به حمایت داشته‌اند در برخی مواقع، به علت شرایط علی که بیان شد، قوانین به خوبی درباره آن‌ها اجرایی نشده است. بر حسب ندای فطرت و کلام الهی، بر همه انسان‌ها، فرض است که از خوبی‌ها و ارزش‌ها دفاع کنند. امر به خوبی‌ها و نهی از زشتی‌ها، از وظایف همه مسلمانان برشمرده شده است. استفاده از توانمندی زنان دارای شرایط و کاردان در اداره امور اجتماعی، سبب استفاده بهینه از توان و ظرفیت شگرف آن‌ها و افزایش فرهنگ

ارزش‌گذاری بر زنان می‌شود. در صورتی‌که زنان موفق و اثرگذار، شناخته و شناسانده نشوند، و از آن‌ها تقدیر نشود، کودکان و جوانان که با هجمه تبلیغات و جنگ نرم رسانه‌ای خیری دنیا مواجه هستند، ممکن است الگوهای ناشایست غربی را سرلوحه کارهای خود قرار دهند آن‌گاه تبعات این بی‌وجهی به الگوهای ارزشمند جامعه و سوق‌دهی غیر مستقیم کودکان و جوانان به الگوهای منحط، اما تبلیغ‌شده بیگانه، می‌تواند زمینه‌ساز دوری جوانان از فرهنگ اصیل و غنی اسلامی - ایرانی شده و موجبات وابستگی فرهنگی به عنوان خطرناک‌ترین وابستگی را فراهم کند.

«درسته که زنان پشتوانه‌ای به نام مهریه دارن، اما در عمل حق استفاده از آن را ندارن و مطالبه مهریه مساوی طرد شدن و فروپاشی زندگی است. تازه در اثر مشکلی که با همسر داشتم، من مهریه‌ام را خواستم و اون هم گفت که طلاق من را نخواهد داد و به این شکل مجبور شدم تا مهریه‌ام رو ببخشم و خودمو راحت کنم» (مصاحبه شونده ۱۴).

«زنی که پس از طلاق به خونه پدرش برگرده، دیگه مثل قبل جایگاهی در اون خونه نداره و دیگران به چشم دیگه نگاهت میکنن و خیلی سخته که بخوای تو این وضعیت از والدینت پول بگیری پس تو این شرایط مجبور شدم برم دنبال کار و با دریافت دستمزد پایین مشغول کار بشم» (مصاحبه شونده ۱۸).

«در روزنامه خواندم که آمار زنان کارتن خواب و دختران فراری افزایش پیدا کرده، دغدغه اصلی این زنان نداشتن سرپناه مناسب و غذا می‌باشد. اما دلیل اصلی این آسیب‌ها نبود پشتیبان مناسب برای این زنان است. مادر بزرگم برایمان تعریف می‌کرد که در زمان‌های گذشته اون‌ها به زنان اقوام خود اهمیت زیادی میدادن. از جمله رسوم ایشان این بوده که هر برادر وظیفه خود میدونست به خواهرش سر بزنه و حتما شب عید برای خواهرش عیدی تهیه می‌کرد و به دیدار او می‌رفت. در اعیاد خاص هم افراد ذکور فامیل نان شیرین، حلیم و... تهیه می‌کردند و درسینی‌های بزرگ قرار می‌دادند و برای افراد اناث قوم خود می‌فرستادند تا بدین وسیله از زنان خود حمایت‌کنند، اما متأسفانه امروزه به دلیل مدرنیته‌شدن و شهرنشینی ما بیشتر سنت‌های نیک گذشتگان خود را فراموش کردیم» (مصاحبه شونده ۳۰).

«من کارمند بانک هستم، خودم به شخصه اگه خانومی تو صف باشه که بچه‌اش همراهش باشه و آن بچه بی‌تابی کنه اول کار آن خانم رو راه میاندازم تا به این وسیله به آن خانم و

بچه‌اش کمک کرده باشم» (مصاحبه شونده ۱۷).

۴- شرایط زمینه‌ای در فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان
 سهل‌الوصول بودن دسترسی به فناوری و عدم فرهنگ‌سازی در استفاده بهینه از لوازم
 ارتباطی: فناوری‌های نوین در دسترس همگان قرار دارد. نحوه استفاده از فناوری‌های نو پدید
 امری در خور توجه است. همان‌گونه که بستن کمر بند ایمنی به واسطه حمایت قانون، امری
 بدیهی و عادی محسوب می‌شود، حمایت قانون در سایر پدیده‌های نوپدید، به کاهش آسیب
 منجر خواهد شد. بزرگسالان نیز نیاز به آموزش دارند، مبحث مهم‌تر از یادگیری، توجه به
 مفهومی با عنوان نایادگیری است، نایادگیری این امر را شامل می‌شود که فرد چه چیزی را
 نباید یاد بگیرد، در چه شبکه‌ها و محیط‌هایی نباید حضور یابد، چه چیزی را نباید ببیند.
 بسته‌های اینترنتی، گوشی‌های به‌روز، در دسترس بودن اینترنت در محل کار، نبود نظارت کافی
 بر عملکرد کارکنان در محیط کار و... سبب شده تا بعضی از افراد از این امکانات سوء استفاده
 کنند.

«همسر در یک شرکت نیمه خصوصی کار می‌کند. اما آنچه که من رو نگران کرده اینه که
 کارکنان این شرکت از اینترنت آن سازمان استفاده خصوصی و بعضاً غیر اخلاقی دارن؛ تازه به
 اسم اضافه کار بعد از ظهر میرن اداره و همسر اونجا از اینترنت گوشی خودش استفاده می‌کنه
 و تو شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنه. سؤال اینه در ساعتی که برای انجام کار اونجا حضور
 دارن آگه به کارای شخصیشون برسن حقوقی که دریافت می‌کنن، شبه ناکه؛ تازه اونایی که به
 سایت‌های غیر اخلاقی سر می‌زنن که بمونه؛ واقعا کاش قوانینی برای محل کار وجود داشت که
 اجرا می‌شد» (مصاحبه شونده ۱۵).

«خانوم شبا تا دیر وقت تو این شبکه‌های اجتماعی اینترنتیه، البته من بهش اعتماد دارم و
 می‌دونم با خواهراش و همکاراش داره چت می‌کنه، اما وقتی رو که قراره به من و بچه‌ها
 پردازد صرف این شبکه‌ها می‌کنه. بسته‌های شبانه گرفته که براش ارزون در میاد، هر روز هم
 داره بدتر می‌شه» (مصاحبه شونده ۲۰)

«عده‌ای از همسران با هم عضو گروه‌هایی با بافت ناهمگون هستند، شوهر با زن‌های دیگر
 گروه، و زن هم با مردای دیگر گروه، چت می‌کنند و خودشان رو به‌روز می‌دانند، حیات چند

خانواده در اثر همین چت‌های خارج از عَرَف در حال تهدید است» (مشاهده).

کمیود آموزش‌های مؤثر در زمینه روابط بین فردی به خصوص تعامل همسران با یکدیگر: تحلیل داده‌ها نشان داد که در برخی افراد به دلیل نبود آموزش کافی یا بهره‌مند نبودن از قدرت تحلیل مسأله، تشخیص رفتار مناسب در کم کردن یا برطرف کردن چالش‌های بین فردی، میسر نبوده است. انسان شخصیت پیچیده‌ای دارد و برای اینکه بتواند سلامت جسمانی و روانی خود را حفظ کند، نیاز است تا بداند کجا چگونه عمل کند؟ به منظور پیشگیری از آسیب‌ها، ضرورت دارد تا چگونگی رفتار صحیح در تعامل با افراد مختلف به فرزندانمان آموزش داده شود.

«وقتی سر سال میشد و زمان تمدید اجاره نامه بود، چون همسرم خودش رو به بی خیالی میزد با استرس دنبال جور کردن پول از طریق خانواده پدر خودم بودم و کم کم به خودم اومدم دیدم که نباید به نام مهربونی اینقد خودمو و خانوادمو به زحمت مینداختم» (نامه ۱۳).

«آن زمان که همسرم از دارایی‌های همون چیزی به اسم نکرد، من ماندم و چند دفترچه قسط که باید در سال های آتی می‌پرداختم. از لحاظ روحی به هم ریختم به همین علت به یک روانشناس مراجعه کردم. مشاور به من گفت که حتی زن و شوهر هم باید یک حریم بین خودشان داشته باشند و در واقع مقصر اصلی من بودم که حریمی برای خودم قائل نشدم. فکر می‌کردم که صداقت و راستی پایه همه چیز است، اما فکر نکردم ممکن است همسرم از این صداقت من سوء استفاده کنده» (مصاحبه شونده ۱).

«هر موقع که می‌خواهیم با همسرم در مورد مسأله‌ای صحبت کنیم، معمولاً به دعوا و جر و بحث کشیده می‌شه و اصلاً نمی‌تونیم سر موضوع مورد نظر تصمیم‌گیری کنیم» (مصاحبه شونده ۲۸).

۵- راهبرد در فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان

تمایل به لذت‌جویی آنی بدون در نظر گرفتن تأثیر عمل بر جسم و روان. یافته‌های مبتنی بر روایت‌ها در این پژوهش نشان داد که به علت فراموشی و غفلت از یاد خدا، برخی از افراد مرتکب ضد ارزش شده‌اند. بسیار واضح است که با افزایش سطح رفاه و امید به زندگی در افراد، بشر امروز در اندیشه ارضای هرچه بهتر، نیازهای خود بوده است. شواهد بسیاری این گزاره را تأیید کرده است که انسان‌هایی با نگاهی سطحی و کوتاه‌بینانه به فلسفه وجودی

زندگی و مبداء هستی، در برآوردن نیازهای خود به خطا می‌روند و تأثیر اعمال خود را نادیده می‌گیرند. در ادیان الهی از جمله دین مبین اسلام به کرات، به تأثیر اعمال بر روان و زندگی افراد اشاره شده است. در خصوص ضرورت نگاه عبرت‌نگر و دوری از نگاه سطحی و کوتاه‌بینانه به فلسفه وجودی زندگی و مبداء حیات و بزرگ‌ترین پیامد آن که غفلت از یاد خدا است، آیات و روایات متعددی وجود دارد. به دیگر سخن، در آیات و روایات آثار زیانباری برای غفلت بیان شده که خود بیان‌کننده تأثیر منفی آن در زندگی مادی و معنوی و نیز دنیوی و اخروی بشر است. از مهم‌ترین آثار دوری از نگاه عبرت‌نگر و غفلت نسبت به مبداء هستی، می‌توان به ایجاد زمینه برای بروز «گمراهی و نپذیرفتن راه رشد و تعالی» (اعراف، ۱۴۶)، «ایمان نیاوردن به نشانه‌های حقانیت دین» (همان)، «زمینه‌سازی رویکرد انسانی به بیراهه و ترک راه رشد و کمال» (همان)، «مانع بصیرت نسبت به حقایق آخرتی» (طه، ۱۲۴ و ۱۲۶ ق ۲۲)، «محرومیت از شناخت و بسته و مهر شدن راه‌های ادراکی انسان» (نحل، ۱۰۷ و ۱۰۸)، «مایه محرومیت از توجه و عنایت خدا در قیامت» (طه، ۱۲۴ و ۱۲۶)، «مانع پذیرفتن نصیحت و خیراندیشی ناصحان» (حجر، ۷۰ تا ۷۲)، «فریب خوردن از زینت‌های دنیا» (انعام، ۱۳۰ و ۱۳۱)، «ظلم به خویشان» (انبیاء، ۹۷)، «حسرت» (مریم، ۳۷ تا ۳۹)، گناه «یونس، ۷ و ۸»، «گرفتاری به سختی و تنگی در زندگی و معیشت» (طه، ۱۲۴)، «انحطاط و سقوط انسان» (اعراف، ۱۴۶ و ۱۷۹) و «خسران ابدی بشر» (نحل، ۱۰۷ تا ۱۰۹) و مانند آن اشاره کرد (به نقل از زارع‌پور). غفلت از مبداء هستی و نگاه کوتاه‌بینانه به زندگی، باعث می‌شود تا فرد چنان غرق لذت‌های آنی و زودگذر شود که بر تبعات آن نیندیشد. به دیگر سخن، لذت آنی که نصیب فرد می‌شود گاه چنان شیرین می‌کند که تلخی آلامی که در آینده در اثر آن لذت نصیب فرد می‌شود به باد فراموشی می‌رود.

«من و همسر هر شب باهم قلیان می‌کشیم، با اینکه بیماری اومده سراغم و شوهرم هم دچار سرفه‌های همیشگی شده اما نمیتونیم آن را کنار بگذاریم» (مصاحبه شونده ۱۵).
 «مردانی را می‌شناسم که از زن خود می‌خواهند در پوشش خود تجدید نظر کنند و مثلاً چادر خود را بردارند، یا وقتی در محیط عمومی حاضر می‌شوند از آرایش استفاده کنند یا زن خود را در گروه‌های اجتماعی عضو می‌نمایند تا مهر تأییدی برای کارهای خارج از عرف خود داشته باشند» (مصاحبه شونده ۳۴).

«معمولاً مهمانی‌های ما با تشریفات آنچنانی برگزار می‌شود و من مجبورم از چند روز قبل در تدارک غذا و دسر باشم. تازه تا دو روز بعد از مهمانی هم باید به جابجایی بپردازم. این مشکل از زمانی شروع شد که آقایان شروع به مقایسه دست‌پخت‌ها و سلیقه زنان فامیل کردند! می‌دانم که این آسیب و چشم‌هم‌چشمی است، بعد از مهمانی با کلی غذا و دسر مواجه می‌شوم که حتی جا دادن آن‌ها در یخچال خانه سخت است» (نامه ۱۴).

۶- پیامد در فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان

مسخ شدن ارزش‌ها: شواهد به دست آمده از مطالعه که بر پایه روایت مشارکت‌کنندگان بود، حاکی از آن بود که به دنبال شکل‌گیری تمایل به لذت‌جویی آنی و بی‌توجهی به تأثیرات اعمال بر جسم و روان در برخی بزرگسالان، ارزش‌های دینی و اجتماعی در حال مسخ شدن هستند. توجه برخی افراد به فرهنگ مصرف‌گرایی، گرایش به مد و خودنمایی، بی‌اهمیت شدن امر ازدواج، پذیرش راحت‌تر طلاق و... نشان از این تبدیل در ارزش‌ها و مسخ‌شدگی دارد.

«در مهمانی‌ها برخی خانم‌ها با آرایش و پوشش خارج از عرف حاضر می‌شوند و انگار که کار درستی دارن انجام میدن چون هم چنان مورد احترام دیگران قرار میگیرن و سعی میکنند که نسبت به بقیه از آرایش تند و زننده تری استفاده کنن و در صورتی که هدف مهمانی دیدن و بازدیده نه اینکه افراد حاضر بخوان با کارهای خودشون آرامش روانی رو از دیگران بگیرن و ابراز زیبایی مخصوص خانه و محیط خانوادگیه نه در حضور اشخاص بیگانه» (مصاحبه شونده ۱۲).

«الان خواستگاران بیشتر به زیبایی دختر اهمیت میدن و عوض اینکه از کمالات دختر بپرسن، زیبایی چهره براشون مهمتره و توجهی به زیبایی‌های ذاتی و باطنی ندارن» (مصاحبه شونده ۳۱).

شکستن حریم‌ها و بی‌توجهی به نقش و مسئولیت در بزرگسالان: از لحاظ سن تقویمی، بزرگسال فردی است که وارد ۱۹ سالگی شده است. اما مفهوم بزرگسالی تنها به یک عدد مشخص مندرج در شناسنامه خلاصه نمی‌شود و بزرگسال واقعی کسی است که از لحاظ عاطفی و اجتماعی نیز به این مرحله وارد شده باشد. به نظر می‌رسد، در نظام آموزشی یا در برنامه‌های آموزشی محله‌محور، ضرورت دارد فرصت‌های آموزشی مناسبی برای آموزش

حریم‌ها و لزوم رعایت آن‌ها ارائه شود. خانواده یک حریم مقدس است، دارای چارچوبی است که بزرگسالان باید سعی در حفظ حرمت‌ها کنند، چرا که هتک حرمت در خانه، سبب فروپاشی نظام خانوادگی می‌شود و در تربیت کودکان نیز خلل وارد خواهد آمد. شواهد نشان داد که در اثر شکل‌گیری تمایل به لذت‌جویی آنی و بی‌توجهی به تأثیرات اعمال بر جسم و روان در برخی بزرگسالان، نه تنها آن‌ها را از یاد خداوند متعال غافل می‌دارد، بلکه باعث می‌شود تا آن‌ها ضمن شکستن حریم‌ها، نسبت به نقش‌ها و مسئولیت‌های خود، بی‌توجه شده و در انجام آن‌ها کوتاهی کنند.

«همسرم مسئولیت‌پذیری عاطفی نداشت، بعد ۲۰ سال زندگی مشترک، می‌گه که من زن ایده‌آلش نیستم و می‌خواد که از همدیگه جدا بشیم و خیلی نامهربونه، الان به خاطر این سردی عاطفی، راضی به طلاق هستم اما نمیدونم چی به سر بچه‌هامون میاد» (نامه ۹).

«روزی از محل کارم مرخصی گرفتم و به منزل برگشتم. در عین ناباوری دیدم شوهرم به هرزه‌نگاری مشغول است. متأسفانه متوجه شدم مواقعی که شیفت کاریمان مخالف است، این کار را انجام میداده. این واقعه برام خیلی تلخ بود و بعد اون دیگه نمیتونم بهش اعتماد داشته باشم» (مصاحبه شونده ۱).

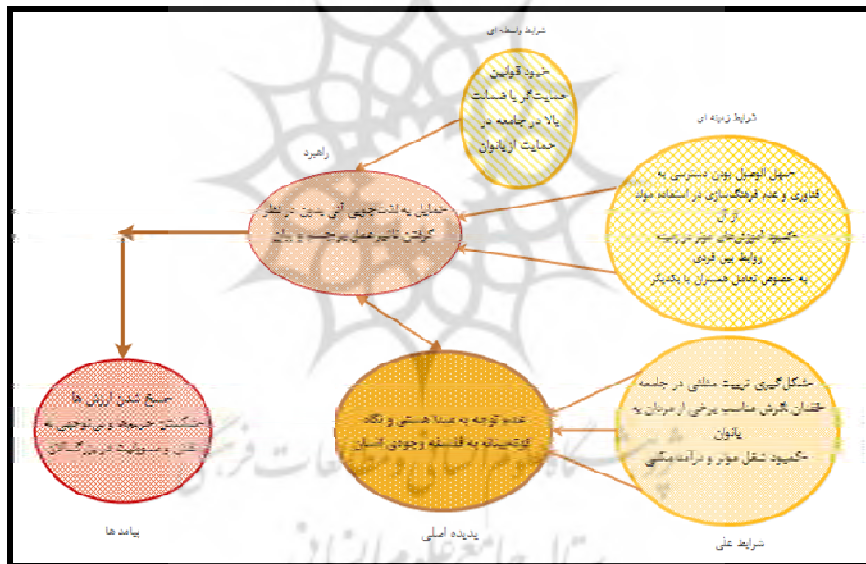
«پس از ازدواج متوجه شدم همسرم اعتیاد دارد من و خانوادش مخصوصاً برادر بزرگترش تلاش کردیم و چند مرتبه ترک کرد، اما دوباره سراغ استفاده از مواد رفت، ما چند فرزند داشتیم و گرداندن زندگی با وجود اعتیاد سنگین او سخت بود. یک شب به دلیل استفاده بیش از حد از مواد سنگ کوب و فوت کرد. من تو سن جوانی بیوه شدم هرچند موقعی که زنده بود هم مایه غم و اندوه بود چون جسمش و روح و روانش روزبروز فرسوده‌تر می‌شد. من طعم تلخ تنهایی را زیاد چشیده‌ام» (مصاحبه شونده ۲۲).

«حالا که من به سن پیری رسیده‌ام، وقتی با بچه‌هام می‌ریم بیرون من پاهام درد می‌کنه و نمی‌تونم مثل آن‌ها سریع حرکت کنم، اما اون‌ها از من جلو می‌افتند و من عقب می‌افتم تو دلم ناراحت میشم که روزگاری فرز و تند همه کارهای مربوط به خودم و بچه‌هام رو انجام می‌دادم اما الان... به همین خاطر تا ضروری نباشه با آن‌ها بیرون در نیام» (مصاحبه شونده ۶).

بخش دوم: تکوین نظریه (کدگذاری گزینشی) در پژوهش فرایند شکل‌گیری

دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان

با توجه به یافته‌های به دست آمده از این پژوهش، الگوی فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان به صورت شکل ۶ تجسم می‌یابد. در این مرحله پژوهشگر، به عنوان نویسنده، براساس دسته‌ها، یادداشت‌های کدگذاری‌شده، یادداشت‌های فنی (حاشیه‌نویسی‌ها)^۱ و شکل ترسیم‌شده، تکوین نظریه را بهبود می‌بخشد (بوم، ۲۰۰۴: ۲۷۳).



شکل ۶: کدگذاری گزینشی - الگوی تجسمی از تکوین نظریه فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد با محوریت زنان

با توجه به الگوی تجسمی به دست‌آمده در این پژوهش و دقت در رابطه میان مقوله‌های تدوین‌یافته در این الگو، گزاره‌هایی^۲ (فرضیه)^۳، به شرح زیر تکوین یافت:

۱- کمبود شغل و درآمد مکفی، فقدان نگرش مناسب برخی مردان به زنان و شکل‌گیری

1. memo
2. Proposition
3. hypothesis

تربیت مثلی در جامعه، شرایطی ایجاد می‌کند که توجه به مبدا هستی و نگاه صحیح به فلسفه زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد این یافته همسو با بخشی از فحوای کلام نورانی حضرت صادق (علیه‌السلام) «کاد الفقر ان یكون کفراً؛ فقر و گرسنگی، انسان را به کفر می‌کشاند» باشد (قمی، ۱۳۷۸).

۲- سهیل الوصول بودن دسترسی به فناوری و فقدان فرهنگ‌سازی در استفاده مؤلد از آن، کمبود آموزش‌های مؤثر در زمینه روابط بین فردی، دیگرخواهی، و به خصوص تعامل همسران با یکدیگر، موجب می‌شود تا در برخی از افراد که از نگاه صحیح به فلسفه زندگی بهره‌مند نبوده و فلسفه غالب ذهنی آن‌ها بر پایه اصالت لذت، خودخواهی و دنیاپرستی استوار شده‌است، به سمت افزایش تمایل و گرایش به لذت‌جویی آنی بدون در نظر گرفتن تأثیر عمل بر جسم و روان سوق یابند.

۳- تمایل به لذت‌جویی آنی، بدون باور به نظم الهی حاکم بر کائنات، و در نظر نگرفتن تبعات اجتماعی اعمال و تأثیرات آن بر جسم و روان، هموعان و محیط پیرامونی، موجب دامن زدن به خودمحوری‌ها و خودخواهی‌ها، زمینه‌سازی برای مسخ ارزش‌ها و شکستن حریم‌ها و بی‌توجهی به نقش و مسئولیت در بزرگسالان می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایجی که از این پژوهش با زیر پایه تجارب مشارکت‌کنندگان، حاصل شد که در نهایت پس از تحلیل داده‌ها، ۳ مقوله کلی و ۱۰ مقوله استخراج شد، از این بین، «توجه‌نکردن به مبدا هستی و نگاه کوتاه‌بینانه به فلسفه وجودی انسان»، به‌عنوان مقوله محوری، تعیین شد. بدین معنی که نه تنها این مقوله به تنهایی باعث سست شدن ارزش‌های الهی و رسوخ ضد ارزش‌ها در جامعه امروزی می‌شود، بلکه به طور مستقیم و غیر مستقیم بر ۹ مقوله دیگر اثرگذار است. به عنوان مثال شخصی که هستی را بدون مبدا وجود می‌داند و در فلسفه وجودی انسان دارای نگاهی بی‌هدف، مادی یا پوچ‌گرایانه است، طبیعتاً در خود احساس مسئولیت اجتماعی نخواهد کرد و به همین دلیل نقش تربیت خود نظارتی و خود مراقبتی‌اش، کم‌رنگ شده و خود و فرزندانش را در معرض هرگونه آموزه‌ای، قرار می‌دهد و بدون توجه کافی به بسترسازی و نقش فناوری‌های روز در تغییر باورهای انسان، از آن‌ها استفاده می‌کند.

رسوخ ارزش‌های غیرالهی و نگاه کوتاه‌بینانه به فلسفه وجودی انسان در برخی از مردان باعث می‌شود تا به زن نه به عنوان یک انسان مؤثر در جامعه، بلکه یک وسیله برای سودجویی نگریسته و هرگونه سوءاستفاده ابزاری از او را برای خود مباح بدانند. از سوی دیگر، بی‌توجهی برخی از زنان نسبت به مبداء هستی و نگاه کوتاه‌بینانه به فلسفه وجودی خود، باعث می‌شود تا در جهان هستی دچار نقص هویتی شوند، به‌گونه‌ای که هویت‌گم‌شده خود را در ورود ناآگاهانه و بی‌هدف به جامعه بچوبند و از آن طرف شغل مادری و همسررداری در جامعه دچار بی‌مهری شده و در نتیجه تربیت در جامعه متزلزل می‌شود. در واقع کسی که نسبت به مبداء و مقصد جهان هستی، نگاهی الهی ندارد، بر مدار اصالت لذت و سود فردی، عمل کرده و لذت‌جویی مادی و انتفاع شخصی و حزبی برایش، بزرگ‌ترین هدف می‌شود؛ چرا که به نظر او دنیایی که روزی بی‌هدف می‌آیی، و روزی بی‌هدف از آن رجعت می‌نمایی، ارزش زحمت دادن به خود برای مراقبه و یافتن تأثیر و تأثر اعمال به‌جای لذت‌جویی را ندارد. به نظر می‌رسد، غلبه این نگاه که ناشی از عدم توجه به مبداء هستی و نگاه کوتاه‌بینانه به فلسفه وجودی انسان است، زمینه لازم برای نگاه ابزاری به انسان‌ها، خودمحوری در کارها، کم‌ارزش دانستن شخصیت انسان‌ها و در نتیجه زمینه‌سازی و دامن زدن به ضد ارزش‌ها را به همراه دارد.

در مجموع ۳ مقوله کلی شامل «علل اعتقادی»، «علل فردی» و «علل اجتماعی»، همچنین ۱۰ مقوله‌ای که از تحلیل داده‌ها حاصل شد، شامل: «بی‌توجه به مبداء هستی و نگاه کوتاه‌بینانه به فلسفه وجودی انسان»، «مسخ‌شدن ارزش‌ها»، «تمایل به لذت‌جویی آنی بدون در نظر گرفتن تأثیر عمل بر جسم و روان»، «شکستن حریم‌ها و بی‌توجهی به نقش و مسئولیت در بزرگسالان»، «شکل‌گیری تربیت مثلثی در جامعه»، «فقدان نگرش مناسب برخی از مردان به زنان»، «کمبود شغل مؤثر و درآمد مکفی»، «نبود قوانین حمایت‌گر با ضمانت بالا در جامعه در حمایت از زنان»، «سهل‌الوصول بودن دسترسی به فناوری و عدم فرهنگ‌سازی در استفاده مولد از آن»، «کمبود آموزش‌های مؤثر در زمینه روابط بین فردی به خصوص تعامل همسران با یکدیگر» است.

افزایش آمار آسیب‌دیدگان اجتماعی به‌ویژه زنان، نشان‌دهنده ضرورت توجه جدی، مستمر و فوری به علل، ریشه‌ها و به‌ویژه فرایند بروز، شکل‌گیری و تشدید این آسیب‌ها بود و در

سطحی فراتر، تلاش و اقدامی همه‌جانبه برای کاهش آن‌ها است. شواهد میدانی، نشان‌دهنده نبود توجه کافی و ریشه‌ای به این مسائل و افراد آسیب‌دیده یا در معرض آسیب است. زمانیکه رفتاری ضدآرزویی از شخصی ظاهر می‌شود، ریشه‌یابی علل و فرایند بروز این رفتارها از نشانه‌های عقلانیت بوده و برخورد قهری، از نشانه‌های سطحی‌اندیشی در حوزه مسائل انسانی است. پرواضح است که این رفتارها در اثر انگیزه‌ها و عوامل چندگانه مشهود و غیرمشهود، در محیطی مساعد، اتفاق افتاده است که باید پژوهشگران و آسیب‌شناسان اجتماعی آن‌ها را بیابند و با زمینه‌سازی از بروز، تعمیق و انتقال ضدآرزوش‌ها در آینده جلوگیری شود. به نظر می‌رسد، جای کتابی در بین دروس دانش‌آموزان ما با عنوان «منش دینی و ملی» خالی است. ما به دانش‌آموزان خود باید‌ها و نباید‌ها را می‌گوییم؛ آن‌ها هم به صورت طوطی‌وار حفظ می‌کنند و بخش عمده‌ای از مطالب را بعد از آزمون درس مورد نظر، فراموش می‌کنند. مثلاً حفظ می‌کنند که نمایش موها از سوی زنان در برابر نامحرم، حرام است. اما زمینه لازم برای درک دلایل و اهمیت آن فراهم نمی‌شود و این نقیصه، بستر ساز رفتارهای نقیض را تقویت کرده و موجب بهبود عملکرد نمی‌شود. به نظر می‌رسد، ضرورت دارد تا در کنار آموزش باید‌ها و نباید‌ها، تبیین، تشویق و معرفی منش صحیح زنان در مهمانی، در حضور همسر، در محل کار و سایر مکان‌ها نیز آموزش داده شود. پرواضح است که اگر این آموزه‌ها، به گونه‌ای یکپارچه و با روشی منسجم و به دور از هرگونه افراط و تفریطی در نظام آموزشی شامل نظام رسمی و غیررسمی مورد پیگیری، آموزش و پایش قرار گیرد، زمینه شکل‌گیری رفتارهای توأم با ارزش‌های جامعه بیشتر فراهم خواهد شد.

شواهد نشان می‌دهد که جای آموزش‌های مؤثر همسرداری، فرزندپروری و مهارت‌های بین فردی در میان افراد و حتی فرهیختگان جامعه خالی است. چند درصد از دانش‌آموختگان و فرهیختگان دانشگاهی می‌دانند که طبق یک رسم نجیبانه ریشه‌دار و دیرینه در ایران، باید مردان در مقابل خانم‌های بالغ به پاخیزند (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۳). به عکس در برخی اقوام، مردان از زنان توقع دارند که زنان در هر سنی باشد، باید بلند شود و جای خود را به مردان دهد و در بسیاری از مهمانی‌ها، زنان در قسمت پایین خانه می‌نشینند، زنانی که به‌درستی مورد توجه و احترام واقع نشده است، سعی در جلب توجه دیگران به دیگر شکل، خواهد کرد که زمینه‌ساز انحراف خود و دیگران و مسخ ارزش‌های متعالی خواهد شد. به نظر می‌رسد عدم توجه و

آگاهی کافی نسبت به قوانین الهی و نگاه کوتاه‌بینانه به فلسفه وجودی انسان، زمینه بروز این نوع نگاه نسبت به زنان شده است. چرا که در قوانین الهی و به ویژه در دین مبین اسلام، به‌ضرورت احترام به همه انسان‌ها و مخصوصاً زنان بارها تأکید شده است. نگاهی به الگوی بی‌بدلیل بشریت، رسول‌گرامی اسلام (ص) و برخورد ایشان، مؤید ناآگاهی، دوری و کم‌توجهی ما نسبت به آموزه‌های الهی است و در صورت بازاندیشی و رعایت این فرامین، این قبیل رفتارهای نادرست، محملی برای حضور نمی‌یابد.

چند درصد از زنان نحوه صحیح نشستن بر روی صندلی را می‌دانند. برای نشستن یک خانم، روش صحیحی وجود دارد، او پاهایش را روی هم نمی‌اندازد، بلکه مچ پاهایش را روی هم می‌اندازد (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۳: ۱۳۵). گرایش‌های عشقی با اینکه غریزی هستند، اما بی‌نیاز از آموزش نیستند. بی‌تفاوتی به زندگی و دوری از ارزش‌ها موجب می‌شود تا توان عشق آفرینی از بین برود، چگونه ممکن است فرزندی که عشق مادر خود را سپاس نمی‌دارد یا محبت‌های پدر را نادیده می‌انگارد، عاشق همسر خود باشد؟ در آموزش‌های عشق به دوستدار محبت می‌آموزند که چگونه تمایلات شخصی و پیشداوری‌های خویش را در مسلخ واقعیت قربانی کند (بیانی، ۱۳۸۵: ۱۸۳).

مرور روایت‌های برگرفته از تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان نشان‌داد که دغدغه اصلی زنان شرکت‌کننده در این پژوهش، مورد بی‌توجه واقع شدن از سوی همسرانشان است که این بی‌توجهی، طیف وسیعی از موارد جسمانی، عاطفی و روانی را در بر می‌گرفت و تعدادی از زنان گزارش کردند که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم، از سوی همسرانشان مورد خشونت واقع می‌شدند. بررسی‌ها نشان داد که متأسفانه در کشورمان آمار دقیقی از خشونت علیه زنان وجود ندارد، اما بر اساس شواهد موجود و نتایج این مطالعه، این آمار می‌تواند هشداردهنده باشد و ضرورت بررسی دقیق و تعیین میزان و تنوع آن برای کمک به اصلاح وضعیت موجود، دوچندان است. در آمار ارائه شده از سوی سازمان عفو بین‌الملل، خشونت در خانواده بیش از ابتلا به سرطان و تصادفات جاده‌ای عامل مرگ یا معلولیت جسمانی زنان اروپایی در سنین ۱۶ تا ۴۴ سالگی است. عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روانی بر خشونت خانگی علیه زنان مؤثر است (کوکاسیک، کاتلر و ارسالکن^۱، ۲۰۰۷).

از آنجا که عاطفه و احساس در زنان قوی‌تر است، اگر به اندازه کافی، تحمل دشواری‌های عاطفی را نداشته باشد، ممکن است به کارهای ضد ارزش دست زند. کسانی که درباره خود احساس ایمنی می‌کنند، کم‌تر نیازمند هستند. بدین معنا که، به احتمال کم‌تری پیشنهادها را هرکسی را از راه برسد، می‌پذیرند. درست همان‌طور که یک شخص قحطی‌زده، تقریباً هر نوع غذایی را می‌خورد، یک شخص ناایمن نیز تقریباً هر کسی را که به او اظهار علاقه کند، خواهد پذیرفت (ارونسون، ترجمه شکرکن، ۱۳۸۶: ۴۰۵). کیفیت رابطه و عشق بین زوجین، مهم‌ترین عامل برای داشتن رابطه زناشویی فوق‌العاده و با کیفیت محسوب می‌شود (مدرسی و همکاران، ۲۰۱۴).

آموزش به بزرگسالان در زمینه مراقبت از خود و تأدیب نفس، هنوز جایگاهی ندارد و به نظر می‌رسد جامعه در برخی موارد، بزرگسال از لحاظ شناسنامه‌ای را به حال خود رها می‌کند. تشکیل انجمن‌هایی که به خانواده‌ها سر بزند و مشکلات افراد آسیب‌پذیر مانند کودکان و زنان را درک و حل کند، ضروری به نظر می‌رسد.

در حالی که استرنبرگ در توصیف عشق، مثلث عشق را بیان می‌کند. او عشق را با ترکیب سه مؤلفه اصلی نشان می‌دهد: صمیمیت، اشتیاق و تعهد؛ صمیمیت به احساس نزدیکی و پیوستگی با معشوق اشاره دارد. اشتیاق به جنبه‌های گرم یک رابطه اطلاق می‌شود، یعنی هیجانی که نسبت به یار خود احساس می‌کنید، به اضافه کشش و جاذبه جنسی؛ تعهد درباره اینکه، این عشق را که حفظ و مراقبت می‌کنید، کوتاه مدت است یا بلند مدت؟ و تا مرگ (استرنبرگ، ۱۹۸۸). قرآن کریم از ازدواج به عنوان «میثاقاً غلیظاً» یاد می‌کند. با این تفاسیر آنچه امروز مشاهده می‌شود، پشت‌پازدن برخی از بزرگسالان به تعهدات خود است. استفاده نادرست از فناوری‌های نوین نیز بر افزایش تمایل و فرصت خیانت را در بین زوجین دامن زده است. در این بین، به نظر می‌رسد به دلیل سهولت و عمومیت دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مجازی، تبعات منفی بیشتری را بر زندگی مردم برجای گذاشته باشد.

امروزه افراد وقت بیشتری را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند. در خانواده‌ها، کمرنگ‌شدن و افت کیفیت گفتگوی چهره به چهره، به خصوص بین زن و شوهرها، زمینه را برای ایجاد و تشدید مشکلات متعددی فراهم کرده است. یکی از پیامدهای منفی آن، افزایش طلاق عاطفی و در مواردی شیوع خیانت در بین برخی زوجین به یکدیگر است که دلیل بخش

مهمی از درگیری‌ها و افزایش آمار درخواست طلاق در جامعه ما را به خود اختصاص داده‌است. به نظر می‌رسد، اگر این شرایط ادامه یابد، الگوی «غذا در خانه، تنقلات در بیرون» رسماً رواج خواهد یافت. یعنی شاهد خانواده‌هایی خواهیم بود که ماجراجویی جنسی در خارج از خانه را به شرط غالب‌نشدن بر امر واقعی در خانه، خواهند پذیرفت (شاه قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۰). از سوی دیگر، به زعم قرایی مقدم (۱۳۹۴) امروزه ارتباطات معنوی در جامعه کم‌رنگ شده‌است و روابط عموماً صوری و ظاهری هستند. به نظر می‌رسد، کم‌رنگ شدن ارتباطات، ناشی از کم‌رنگ شدن معنویات در جامعه باشد. بنابراین، ما با ارتباطات ضعیف و دوستی‌هایی مواجه هستیم که تنها بر اساس منافع شخصی، مصلحت‌گرایی و خودگرایی شکل می‌گیرند (ص ۱۰). حال اگر این مصلحت‌گرایی در کانون خانواده‌ها رخ دهد، نتیجه‌اش برای جامعه، فاجعه خواهد بود. در این پژوهش با زنانی آشنا شدیم که همسرانشان از صداقت آن‌ها سوء استفاده کرده‌اند و در شرایط مختلف نفع شخصی، دروغ و تزویر را جایگزین صداقت کرده‌اند.

فقر آموزش یا وجود رویکردهایی نادرست در آموزش، نیز از دلایل تسهیل‌گر در بروز و تشدید ارزش‌های غلط به‌شمار می‌رود. کارگاه‌های آموزشی که در مدارس برای خانواده‌ها بعضاً تشکیل می‌شود، دو مشکل را بررسی می‌کنند: یا مشکل فرزندان خانواده و رفع آن‌ها، و مورد بعد به زنان آموزش می‌دهند که چگونه از همسران خود و کانون خانواده خود مراقبت کنند. تقریباً کارگاه آموزشی که پدران خانواده را دعوت کند و در آن‌ها آسیب‌های زنان جامعه را گوشزد کند و آموزش لازم برای رابطه با همسران (مؤنث) را آموزش دهد کم یا به ندرت وجود دارد. به نظر می‌رسد به دلیل فقدان آموزش رسمی در این خصوص، نحوه رفتار با همسر به تحصیلات دانشگاهی مرتبط نباشد و در این پژوهش با زنانی مواجه شدیم که همسرانشان به‌رغم داشتن تحصیلات عالی، با آن‌ها با خشونت رفتار می‌کرده‌اند.

نگاه تحقیرآمیز برخی از مردان به زنان، تنها به خشونت ختم نمی‌شود و مردسالاری خشک و خشن در بعضی خانواده‌های ایرانی وجود دارد. برخی از مردان ایرانی هنوز برای خود ننگ و عار می‌دانند که در رفع امور منزل مشارکت کنند.

در ایران باستان، زن، عنوان «بانو» را داشت، که در اصل «ریشه سیه بانو» بود که به معنای «فروغ راستی و پارسایی» است، امروزه فقط واژه بانو مانده است که به معنای «فروغ و

روشنایی» است. واقعاً زن در ایران باستان مظهر فروغ و روشنایی بود. هم خانه و کاشانه را نور می‌بخشید و هم جامعه را و ماهیت وجودی زن چنین است (وحیدی، ۱۳۵۵: ۷۰). امید می‌رود با زمینه‌سازی برای نهادینه‌سازی فرهنگ رفتار شایسته با زنان، زن ایرانی همسو با آموزه‌های شریف دین مبین اسلام، همواره واژه بانو را بر خود تجربه کند و قدر و مقام زنان، با آموزش حقوق متقابل زوجین در خانواده‌ها تجلی‌یافته و دیگر هیچ مردی، بانوی خانه را مورد ضرب و شتم قرار ندهد، او را تهدید به جدایی تهدید به ترک منزل و... نکند.

به نظر می‌رسد بخشی از عوامل مؤثر در رفتار نامناسب بین زوج‌ها، و به ویژه رفتار با زنان، برگرفته از برخی از ضرب‌المثل‌های رایج در جامعه باشد. ضرب‌المثل‌هایی که دهان به دهان چرخیده تا به ما رسیده است، گاهی حاوی مسائل اهانت‌بار به زنان است. مثل «گرچه را باید دم حجله کشت» یا «زن که رسید به ۲۰ باید به حالش گریست»، اصطلاحاتی چون «زن ذلیل» و «ضعیفه» نیز از این دسته هستند و جا دارد پژوهشگران ادبیات فارسی در مقابل این ضرب‌المثل‌های توهین‌آمیز، مواردی را که در جهت بالا بردن شأن زنان باشد، تولید و ترویج کنند. وجود این تفکر نادرست و استفاده از عبارات توهین‌آمیز، در تضاد با فرهنگ غنی ایرانیان و آموزه‌های دین مبین اسلام است، به گونه‌ای که پیامبر گرامی اسلام (ص) از کسانی که زنان را خوار و زبون می‌شمارند به عنوان «انسان‌هایی پست و فرومایه» یاد کرده‌اند و می‌فرمایند: «زنان را جز کریمان، گرامی نمی‌دارند و جز فرومایگان، خوار نمی‌پندارند» (وسائل الشیعه، ج ۸: ۵۰۷). همچنین می‌فرمایند «نزدیک‌ترین شما به جایگاه من در روز قیامت، کسانی هستند که با همسرانشان بهتر رفتار می‌کنند».

صنعت پورنو که برای برخی کشورها سودآوری دارد، نشان از استعمار بیش از پیش زنان در دنیا دارد. بر زنان است که در هر جای این کره خاکی از ارزش‌های راستین انسانی دفاع کنند و در تحصیل علم و ادب کوشا باشند تا به جای اینکه جاذبه جنسی آن‌ها را مورد توجه آنی مردان قرار دهد، کمالات انسانی ایشان را شایسته احترام مردان دیگر بدانند. چه جاذبه جنسی یک زن، ممکن است چند سال بیشتر پایدار نباشد، اما کمالات انسانی تا آخر عمر و حتی پس از مرگ نیز به کمک ما خواهد آمد.

آمار تأسف‌باری از استفاده ایرانیان از سایت‌های غیراخلاقی در دست است. شهر تهران در بین ۱۸۲ کشور جهان از نظر عدد کاربران استفاده‌کننده از این سایت‌ها، مقام نخست را دارد!

رونق بازار هرزه‌نگاری به دو عامل عرضه و تقاضا بستگی دارد (گلزاری، ۱۳۹۲: ۱۴). این در حالی است که مردان متأهل نیز به استفاده از این مواد روی آورده‌اند که تهدیدکننده زندگی زناشویی ایشان است. پژوهشگران در یک مطالعه نشان دادند، مردان پس از دیدن فقط ۲۶ عکس و یک فیلم ویدیویی ۶ دقیقه‌ای از زنان برهنه، میزان جاذبیت همسرشان را پایین‌تر ارزیابی کردند؛ پژوهشگران نشان دادند تماشای فیلم‌های پورن در مردان با بی‌تفاوتی نسبت به زنان، بی‌ارزش تلقی کردن تک‌همسری، شک کردن درباره ارزش ازدواج و کاهش تمایل به بچه‌دار شدن همراه است (طالبی، ۱۳۹۲: ۶۵). پرواضح است که از دست دادن جاذبیت در نگاه زوج، می‌تواند زمینه‌ای از بروز خیانت را در افرادی با سطح و عمق ایمان متزلزل و باورهای اخلاقی سست، فراهم کند. از دیگر سو هنگامی که زوجین سعی در برآوردن نیازهای جسمی و عاطفی خود در خارج از منزل کنند، حریم و قداست محیط خانواده از بین خواهد رفت. همان‌گونه که در این پژوهش نیز مشخص شد، زنان که همسرانشان با مشکل هرزه‌نگاری دست و پنجه نرم می‌کردند، از روابط خود و همسرشان رضایت نداشتند و از آن با تعبیری همچون «سرد»، «بی‌روح»، «آزاردهنده» و... یاد کردند.

عوامل اقتصادی نیز در دامن زدن بر دگرگونی‌های ارزشی در جوامع، تأثیر بالایی داشته است. نبود درآمد کافی و نداشتن شغل ثابت یا امنیت شغلی از عواملی هستند که مانع ازدواج به‌هنگام جوانان شده است. در این راستا مسئولیت دنیوی و اخروی افراد ذی‌صلاح، ذی‌نفوذ و ذی‌ربط، برای تسهیل شرایط و زمینه‌سازی برای اشتغال مؤثر و ازدواج به‌هنگام جوانان، دوچندان است. تا بدین وسیله جامعه از آسیب‌های موجود و محتمل در این وادی و سیل امیال برآورده نشده افراد، در امان باشد.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد رسانه‌ها و به ویژه رسانه ملی، در بحث فرهنگ‌سازی و آموزش مستمر و مؤثر خانواده‌ها در این حیطة، آن‌گونه که رسالت‌هایش بوده و از آن با عنوان دانشگاه عمومی، یاد شده است، موفق عمل نکرده است؛ تأملی بر ظرفیت شگرف رسانه‌ها در نهادینه‌سازی فرهنگ‌های صحیح و شکل‌دهی به سبک زندگی بالنده از یکسو و نگاهی تحلیلی و مقایسه‌ای به محتوای برخی از برنامه‌های موجود، تعدد و تنوع آزاردهنده تبلیغات محصولات که به نظر می‌رسد ترویج تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی را هدف قرار داده، می‌تواند برای متولیان این امر در بازاریابی رسالت‌ها، راهبردها، رویه‌ها به‌منظور استفاده

بهبود از ظرفیت شگرف این رسانه‌ها، تمهید مکفی و به‌موقع در این خصوص و جلوگیری از تعمیق و دامنه‌دار شدن مسأله، زنگ هشداردهنده‌ای باشد. متأسفانه مشاهده می‌شود برخی از خانواده‌ها، فرزندان خود را با الگویی تربیت می‌کنند که در آن از قناعت، صبر و تلاش برای ساختن آینده، خبری نیست. فخر فروشی به یکدیگر در بین برخی از خانواده‌ها، به گونه‌ای متداول شده است که خانواده‌ها مجبور هستند، برای تهیه لوازم اولیه زندگی - که گاهی اوقات خود مادران هنوز در سن ۶۰ سالگی لوازمی را ندارند که برای جهیزیه دخترشان آماده کرده‌اند! - ازدواج جوانان را به تأخیر بیندازند که به نظر می‌رسد این خود، زمینه دیگری برای ترویج روابط نامشروع و در نتیجه مسخ ارزش‌ها و سست شدن باورهای دینی و اخلاقی می‌شود.

بیکاری و اوقات فراغت جوانان اگر در جهت صحیح به کار برده نشود، زمینه را برای آسیب فراهم می‌کند. امیرالمومنین علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «بیکاری دائم، سبب فساد است». گرایش جوانان به استفاده از مواد افیونی با بیکاری رابطه دارد. هم‌اکنون استفاده از موادی که علف خوانده می‌شوند، در بین تحصیل‌کرده‌ها و هنرمندان افزایش یافته است (محسنی‌پور، ۱۳۹۴: ۴۲). بیکاری در صدر عوامل مؤثر بر اعتیاد، قرار دارد، به طوری که در پژوهشی، اکثریت بزرگی از پاسخگویان (۸۳ درصد) نقش آن، در روی آوردن جوانان به مواد مخدر را زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. بعد از بیکاری، دسترسی فراوان و آسان به مواد مخدر، داشتن والدین، بستگان و دوستان معتاد و شکست در عشق و ازدواج قرار دارد که به ترتیب ۶۳،۶۱،۵۷ درصد نقش آن‌ها را زیاد تا بسیار زیاد دانسته‌اند. بیش از نیمی از پاسخگویان، کمبود امکانات برای گذراندن اوقات فراغت، ثروت و رفاه زیاد، ضعف اعتقادات مذهبی و فشار و تقاضای دوستان را با اهمیت تشخیص داده و نقش آن‌ها را زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند (زکریایی و اکبری، ۱۳۹۰: ۱۹).

توجه به متون تدریس شده در مؤسسات زبان خارجی نیز حائز اهمیت است. اغلب کودکان از سنین پایین به یادگیری زبان خارجه گماشته می‌شوند و این اتفاق مثبتی است، اما تحلیل محتوای داستان‌ها و شخصیت‌های برجسته این کتاب‌ها نیز مهم است و ضرورت دارد کتاب‌هایی با رعایت مضامین فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی، به زبان انگلیسی و در جهت آموزش این زبان در داخل کشور تألیف شود، به گونه‌ای که شخصیت‌های اصلی آن را زنان و مردان اصیل اسلامی - ایرانی بر عهده داشته‌باشند که در مثنوی معنوی، بوستان، گلستان،

شاهنامه و سایر متون گرانسنگ نیز مطرح شده‌اند، تا کودک ما با خوی و آموزه‌های فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی اُنس گیرد. از آنجا که تکمیل یک دوره زبان‌آموزی به زمانی حدود ده سال برای فرزندان ما نیاز دارد، پس لزوم تسریع و توجه به این موضوع بالاست. در بحث مربوط به برآوردن هیجانات انسانی، توجه به تأثیرگذاری نتایج عمل بر جسم و روان می‌تواند سودمند باشد. امیرالمومنین علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «بسا لذت آنی که حزنی طولانی به ارمان آورد». لذت‌ها همواره مثبت نیستند و دو قسم هستند: لذت‌هایی با پیامدهای منفی و لذت‌هایی بدون پیامدهای منفی؛ مورد اول هر چند موجب خوشحالی بالفعل فرد شوند، در آینده فرد را با مشکلات زیادی مواجه می‌کنند و زندگی را به فساد و تباهی می‌کشند (پسندیده، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

درباره توجه و تکریم سالمندان در کشور هم آماری از بی‌مهری به این اقشار آسیب‌پذیر در دست نیست، اما پژوهش‌ها نشان از افزایش دارد. خداوند متعال در قرآن کریم، سوره اسراء فرموده است: «با پدر و مادر خود با اکرام و احترام سخن بگو»؛ تقریباً در تمامی آیین‌ها و ادیان مادر و پدر، ارزش بالایی دارند. در این خصوص، حکیم سقراط گفته‌اند: با پدر و مادر خود چنان رفتار کن که از اولاد خود توقع‌داری (کاظمی و ناصری‌زاده، ۱۳۸۵). شاهنامه که برخی از آداب و رسوم ایرانیان باستان را به نظم کشیده، همواره پیران و بزرگان را به نیکی و احترام در حد پرستش یاد کرده‌است، برای معمرین قوم جایگاهی خاص قائل است. دین مبین اسلام نیز که جایگزین مذهب اهورایی در فرهنگ ایران زمین شد، همیشه سفارش و تواضع به بزرگان را خط‌مشی قرار داده‌است (اسدی، ۱۳۸۵: ۴۳). سالمندان به دلیل از دست دادن توانایی‌های جسمی که در گذشته واجد آن بوده‌اند، همچنین به دلیل از دست دادن یاران و دوستان هرچه بیشتر احساس تنهایی می‌کنند. فرزندان ایشان که امروز درگیر مدرنیته شدن هستند، کمتر برای والدین مسن خود وقت می‌گذارند. طی مصاحبه‌ای خانمی بیان کرد که فرزندان و نوه‌هایش که آخر هفته به او سر می‌زنند، سرگرم گوشی‌های خود هستند و گاهی اوقات با اعتراض او مواجه می‌شوند. مدیریت کردن وظایف و مسولیت‌پذیری در بزرگسال امروز بیش از پیش مورد نیاز است. تا در به‌کارگیری امکانات به خود و اعضای خانواده‌اش به درستی رسیدگی کند.

با توجه به شرایط زمینه‌ای در فرایند شکل‌گیری دگرگونی‌های ارزشی در افراد و بر پایه

تحلیل داده‌ها، که به استخراج مقوله «کمبود آموزش‌های مؤثر در زمینه روابط بین فردی به خصوص تعامل همسران با یکدیگر» منجر شد، پیشنهاد می‌شود خدمات مشاوره‌ای در ایران مانند خدمات پزشکی از یک طرح نظام‌مند بهره‌مند شود و برای دریافت خدمات مشاوره‌ای برای افراد، دفترچه‌ای صادر شود و این خدمت تحت پوشش بیمه قرار گیرد تا ضرورت استفاده از این مهم، نهادینه شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در مطالعه‌ای مبتنی بر مدل معادلات ساختاری، روابط بین مقوله‌های شناسایی شده به طور کمی بررسی شود. در پایان به نظر می‌رسد اگر از سوی مسئولان کشوری، شرایطی در جامعه فراهم شود که خانه‌داری زنان - همان‌گونه که از آن به عنوان جهاد زنان یاد شده است - به‌عنوان ارزشی بی‌بدیل و شغلی دارای درآمد، در نظر گرفته شود، زمینه مناسب‌تری برای تعالی ایشان و سلامت جامعه فراهم می‌شود.

قدردانی

پژوهشگران بر خود واجب می‌دانند از تمامی مشارکت‌کنندگان در فرآیند این پژوهش و همچنین خانم‌ها پروانه کریمی، میترا رضوی فر، افسر زارع میرک‌آباد، زهرا شفیعی‌پور و زینب محمدزاده برای ارائه بازخوردهای مؤثرشان در مطالعه مقاله و انعکاس دیدگاه‌هایشان تشکر کنند. این پژوهش را به پاس مهر و پاکی، به پیشگاه بزرگ بانوی اسلام، حضرت فاطمه‌الزهرا (سلام الله علیها) و زنان شریف ایران زمین، به‌ویژه مادران خویش، تقدیم می‌نماییم.

منابع

- اخلاقی، کبری (۱۳۹۳). نقش پدیده بدحجابی در کاهش امنیت اجتماعی زنان، فصلنامه علمی-تخصصی دانش انتظامی پلیس پایتخت، ۷(۱): ۱۲۷-۱۶۵.
- زاهدی، محمدجواد و نازک‌تبار، حسین (۱۳۹۳). نوسازی و دگرگونی‌های بحران‌ساز در خانواده بررسی مسائل نوین خانواده در نقاط شهری استان مازندران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳(۳): ۳۵۷-۳۸۲.
- ارونسون، الیوت (۱۳۸۶). *روانشناسی اجتماعی* (ترجمه حسین شکرکن). تهران: رشد.
- آزاد ارمکی، تقی و خادمی، حسن (۱۳۸۲). ترجیحات ارزشی دانش‌آموزان تهرانی، پژوهشنامه فرهنگی (فصلنامه تحقیقات فرهنگی)، ۸(۸): ۳-۲۸.
- استراوس و کربین (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)*، (ترجمه ابراهیم افشار). تهران: نی.
- اسدی، سوسن (۱۳۸۵). *ادبیات سالمندی*. سندرچ: پرتو بیان.
- بازرگان، عباس (۱۳۹۱). *روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته*. تهران: ندیدار.
- بیانی، احمد (۱۳۸۵). *روانشناسی عشق*. سمرقند، ۱۵ و ۱۶، ۱۸۲-۱۸۴.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۱). *لذت مثبت، لذت کامل و الگوی لذت مثبت، سپیده دانایی*، ۶۴، ۱۲۵.
- پوریوسفی، حمید و آقاپور فرکش، مجید (۱۳۸۶). *مطالعه و بررسی تفاوت ارزش‌های مشترک خانواده و مدرسه از دیدگاه جامعه‌شناختی، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ۱(۴): ۱۰۷-۱۲۴.
- پیک حرفه، شیرزاد (۱۳۹۰). *مرزهای اخلاق*. تهران: نی.
- جلالوند، امین (شنبه، سی خرداد ۱۳۹۴). دخترانی که از حق تحصیل جامانده‌اند. *روزنامه جام جم*، ۲۰.
- جلالی، رستم (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش کیفی، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۱(۴): ۳۱۰-۳۲۰.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۴). *مجموعه مقالات نخستین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی*.

- (جلد ۴)، تهران: آفتاب توسعه، چاپ اول.
- حجاریان، احمد و قنبری، یوسف، (۱۳۹۲). شناسایی و تحلیل مولفه های اجتماعی مؤثر در گرایش جوانان روستایی به اعتیاد در مناطق روستایی شهرستان اصفهان، *فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد*، ۷(۲۷): ۶۷-۷۸.
- حسن بن علی، محمدبن (۱۳۷۰). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البیت.
- حسن زاده، صالح (۱۳۸۷). بحران در مبانی تعلیم و تربیت غربی و راه گریز از آن، *فصلنامه خط اول*، ۶.
- دلخمش، محمدتقی و احمدی مبارکه، مهرناز (۱۳۹۰). محتوا و ساختار ارزش ها در نوجوانان ایرانی، *روانشناسی تحولی*، ۲۲(۲۹): ۵-۲۶.
- ربانی، رسول و شهابی، سیامک (۱۳۸۹). بررسی ارزش های اخلاقی جوانان شهری اصفهان. *مجله مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای*، ۲(۵): ۷۷-۹۲.
- زارع پور، علی (بی تا) ذکر خدا. *غفلت از یاد خدا*. بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۵ قابل دسترسی در: <http://m5736z.blog.ir/post/ZEKR>
- زاهدی، محمد جواد و خضرنژاد، عمر (۱۳۹۲). نوسازی و فرآیند تحول ارزش ها در حوزه خانواده (بررسی نمونه ای دگرگونی ارزش های خانوادگی در شهر بوکان). *مجله جامعه شناسی ایران*، ۱۴(۱): ۶۸-۹۷.
- زکریایی، محمد علی و اکبری، کاوه (۱۳۹۰). علل گرایش به اعتیاد در کشور، کمیته مبارزه با مواد مخدر، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- سعادت، مرضیه (۱۳۹۴). خبرگزاری فارس: گروه اجتماعی حوزه بهداشت و درمان، www.farsnews.com.
- شیلت، وندی، لی دموس، نانسی (۱۳۸۸). دختران به عفاف روی می آورند، ترجمه سمانه مدنی و پریسا علمداری. قم: معارف.
- صالحی، کیوان، بازرگان، عباس، صادقی، ناهید و شکوهی یکتا، محسن (۱۳۹۴). بازنمایی ادراکات و تجارب زیسته معلمان از آسیب های احتمالی ناشی از اجرای طرح ارزشیابی

توصیفی در مدارس ابتدایی، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۵(۹): ۵۹-۹۹.

طالبی، فاطمه (شهریور ۱۳۹۲). پیامدهای هرزه‌نگاری در بزرگسالان. *سپیده دانایی*، ۶۹، ۶۵-۶۶.

فرجی، نصراله (۱۳۸۹). *روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی*. تهران: پوران پژوهش.
 قمی، عباس (۱۳۷۸). *سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار*، ترجمه علی مختاری، قم: اسوه.
 کاظمی، علی اصغر و ناصری زاده، فهیمه سادات (۱۳۸۹). *سخنان بزرگان*. قم: ابتکار دانش.
 کفاشی، مجید (۱۳۸۹). بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده. *فصلنامه پژوهش اجتماعی*،
 ۳. www.SID.ir.

گلزاری، محمود (خرداد ۹۱). آمارهایی که فقط دل‌ها را نگران می‌کند: ما ۵ نفر را کجا می‌برید؟.
سپیده دانایی، ۵۵، ۸.

گلزاری، محمود (خرداد ۹۴). خانواده ایرانی در بحران. *سپیده دانایی*، ۸۷، ۹.
 گلزاری، محمود (شهریور ۹۰). آموزش پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و وظیفه حکومت،
سپیده دانایی، ۴۷، ۶.

گلزاری، محمود (شهریور ۹۲). مقابله با هرزه‌نگاری: ناهماهنگی قانونی، نارسایی آموزشی.
سپیده دانایی، ۶۹، ۱۴.

لازار، جانان، هایدی فنگ، جینجوان و هاکهایزر، هری (۲۰۱۰). *روش‌های تحقیق در فناوری اطلاعات*، ترجمه کاوه بازرگان و عباس بازرگان. تهران: کندوکاو.

محسنی‌پور، میلاد (خرداد ۹۴). *علف می‌کشم پس هستم*. *سپیده دانایی*، ۸۷، ۴۲.
 معین، محمد (۱۳۸۸). *فرهنگ معین*. تهران: امیرکبیر.

منصورنژاد، محمد (۱۳۸۵). *زنان: حقوق، کرامت و هویت (در دفاع از حقوق زنان)*. تهران:
 جوان پویا.

----(اردیبهشت ۹۲). میزان مصرف سیگار در ایران. www.entekhab.ir.

نعمت‌اللهی، داوود (۱۳۹۳). *آداب معاشرت برای همه*. تهران: معیار علم.

نیکوگفتار، منصوره (۱۳۸۶). رابطه بین سلسله مراتب ارزش‌ها و سلامت عمومی، پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۰(۲و۱): ۷۹-۹۲.

هوشیار، مهران (تیر ۱۳۹۴). ارزش‌ها، سنت‌ها به پشتوانه دیروز است. www.vista.ir.

وحیدی، حسین (۱۳۵۵). منش مکی و منش پارسایی. تهران: کتابخانه سنایی.

----- (آذر ۱۳۹۲). وقتی ۷۱ درصد مردم ایران ماهواره تماشا می‌کنند چه می‌توان کرد؟. www.tabnak.ir.

یوسفیان، الف (۱۳۸۵). بهشت خانواده با زنان شایسته، قم: دارالعلم.

A group of authors. (2015). *Proceedings of the First International Congress on Islamic Humanities*, 4(1), Tehran: Aftab Tose'eh.

Akhlaghi, K. (2014). The Role of Women's mal-dressing in Reducing Social Security. *Journal of Disciplinary Knowledge of the Capital Police*, 7(1), 127-165.

Aronson, E. (2007). *Social Psychology*. translated by Hossein Shokrkon, Tehran: Roshd.

Asadi, S. (2006). *Aging Literature*. Sanandaj: Partov Bayan.

Azad Armaki, T., Khademi, H. (2003). Value Preferences of Students in Tehran. *Journal of Cultural Research*, 8(8), 3-28.

Baker, W.E. (2004). *America's Crisis of Values*. New Jersey, Princeton University Press.

Bayati, A. (2006). *Psychology of Love*, Samarghand, 15&16 (2), 179-198.

Bazargan, A. (2012). *An Introduction to Qualitative & Mixed Methods of Research*. Tehran: Didar.

Böhm, A. (2004). *Theoretical Coding: Text Analysis in Grounded Theory*. In *A Companion to Qualitative Research* (pp.270-275), London: SAGE publications.

Charmaz, K. (2006). *Constructing Grounded Theory*. London: Thousand Oaks.

Correia, I., Alves, H., Morais, R., & Ramos, M. (2014). *The Legitimation of Wife Abuse among Women: The Impact of Belief in a Just World & Gender Identification*. Available at: www.elsevier.com/locate/paid.

Davey, G., & Zhao, X. (2012). A Real Man Smells of Tobacco Smoke- Chinese Youth's Interpretation of Smoking Imagery in Film. *Social Science & Medicine*, 74 (10), 1552-1559.

Delkhamosh, M., Ahmadi Mobarake, M. (2011). Content & Structure of Values among Iranian Adolescents. *Developmental Psychology*, 29, 5-25.

El-Hussein, M., Hirst, S., Salyers, V., & Osuji, J. (2014). Using Grounded Theory as a Method of Inquiry: Advantages and Disadvantages. *In The Qualitative Report*, 19(27), 1-15.



- Faraji, N. (2010). *Research Methods in Psychology and Education*. Tehran: Pooran Pajooohesh.
- Foroutan, Y. (Winter 2014). The Challenges of Contemporary Family & Modernization: An Emphasis On Divorce in the Process of Demographic Transition: Social Problems of Iran. *Journal of Kharazmi University*, 4(2), 105 - 129.
- Gasson, S. (2003). Rigor in Grounded Theory Research – An Interpretive Perspective on Generating Theory from Qualitative Field Studies. In *Handbook for Information Systems Research*, Whitman, M. and Woszczynski, A. (Eds.), Idea Group Publishing, Hershey PA, 79-102.
- Gholzari, M. (Jun 2015). Iranian Family in Crisis. *Sepideh Danaei*, 87, 9.
- Gholzari, M. (Jun 2012). Figures that Just worries the Hearts Out: Where Are You Taking Us 5 people? *Sepideh Danaei*, 55, 8.
- Gholzari, M. (September, 2011). Fighting against Pornography: Legal Inconsistencies, *Educational Failure. Sepideh Danaei*, 69, 14.
- Gholzari, M. (September, 2011). Teaching the Prevention of Social Problems & the Government's Duty. *Sepideh Danaei*, 47, 6.
- Ghomi, A. (1999). *Safinat ul-Behar va Madinat ul-Hakam va Al-Asar*. translated by Ali Mokhtari, Qom: Osveh.
- Hajjarian, A., Ghanbari, U. (2013). Identification & Analysis of Social Factors Affecting Rural Addiction among Youth in Rural Areas of the City. *Journal of Substance Abuse Addiction Research*, 7(27): 67-78.
- Hassan ibn Ali, M. (1991). *Vasael ul-Shieh*. Qom: Al-Albeyt Institute.
- Hassanzadeh, S.(2008). The Crisis in the Foundations of Western Education System & Way out of It. *First Line Magazine*, 6.
- Hushyar, M. (July 2015). Values, Traditions Backed by Yesterday, available at www.vista.ir.
- Jalali, R. (2012). Sampling in Qualitative Research. *Journal of Research in Health Sciences*, 1(4): 310-320.
- Jalalvand, A. (2015, June 20). Girls who have Left over the Right for Education. *Jam-e-Jam newspaper*, pp. 20.
- Jewkes, R.K., Levin J.B., & Penn-Kekana, L.A. (Jan. 2003). Gender Inequalities, Intimate Partner Violence & HIV Preventive Practices: Findings of a South African Cross-Sectional Study. *Social Science & Medicine*, 56(1):125-34.
- Jones, M., & Alony, I. (2011). Guiding the Use of Grounded Theory in Doctoral Studies– an Example from the Australian Film Industry. *International Journal of Doctoral Studies*, 6, 99-113.
- Kafashi, M. (2010). The Effects of Internet on Family Values. *Journal of Social Research*, 2(3): 55-76.
- Kazemi, A., & Naseri Zadeh, F. (2010). *Words of the Elders*. Qom: Ebtokare

Danesh.

- Kocacik, F., Kutlar, A., & Erselcan, F. (2007). Domestic Violence against Women: A Field Study in Turkey. *The Social Science Journal*, 44(4): 698-720.
- Lan, G., Gowing, M., Rieger, F., Mahon, S., & King, N. (2010). Values, Value Types & Moral Reasoning of MBA Students. *Business Ethics: A European Review*, 19(2): 183-198.
- Lazar, J., Heidi Feng, J., & Hochheiser, H. (2010). *Research Methods in Human-Computer Interaction*. translated by Kaveh Bazargan & Abbas Bazargan, Tehran: Kandokav.
- Mansur Nejjhad, M. (2006). *Women's Rights, Dignity & Identity* (Defending Women's Rights). Tehran: Javan Pooya.
- Mileham-Beatriz, L. A. (2007). Online Infidelity in Internet Chat Rooms: An Ethnographic Exploration. *Computers in Human Behaviour*, available at www.elsevier.com/locate/comphumbeh.
- Modarresi, F., Zahedian, H., & Hashemi, M. A. S.N. (2014). The Rate of Marital Fidelity & Quality of Love in Divorce Applicants with & without Marital Infidelity Precedent. *Armaghan-e Danesh*, 19(84):78 - 88.
- Moein, M. (2009). *Moein Dictionary*. Tehran: Amir Kabir.
- Mohseni Poor, M. (Jun 2015). *I smoke Weed, Therefore I am*. Sepideh Danaei, 87, 42.
- Moriarty, J. (2011). Qualitative Methods Overview, SSCR Methods Review 1. NIHR School for Social Care Research, London. Available at <http://www.kcl.ac.uk/sspp/kpi/scwru/pubs/2011/moriarty2011/qualitativemethods.pdf>
- Nematolahi, D. (2014). *Etiquette for All*. Tehran: Me'yareh Elm.
- Nikoo Goftar, M. (2007). The Relationship between the Hierarchy of Values & Public Health. *Psychological Research*, 10(1&2): 79-92.
- Pasandideh, A. (2012). Positive Pleasure, Fun & Full of Positive Pleasure. *Sepide Danaei*, 64, 125.
- Peik Herfeh, Sh. (2011). *Moral Boundaries*. Tehran: Nashre Ney.
- Poorusefi, H., Agha Poor, M. (2007). The Study of Shared Values between Family & School from a Sociological Perspective, A Social Science Research. *Social Sciences Bulletin*, 1(4):107-124.
- Rabani, R, Shahabi, S. (2010). A Study of Moral Values of Isfahani Youth. *Journal of Urban and Regional Studies and Research*, 2(5):77-92.
- Saadat, M. (2015). News: Social Group, Healthcare, www.farsnews.com.
- Salehi, K., Bazargan, A., Sadegi, N., & Shokohi, M. (2015). Representing Teachers' Perceptions & Lived Experiences of the Possible Damages Occurred Due to Implementing Descriptive Evaluation Scheme in Primary Schools. *Journal of Educational Measurement and Evaluation Studies*, 5(9): 58-100.
- Shillet, V., Demess, N. (2009). *Girls Turn to Chastity*. translated by Samaneh Madani & Parisa Alamdari, Qom: Nashre Maaref.



- Smoking rates in Iran, (May, 2013), [www. entekhab.ir](http://www.entekhab.ir).
- Sternberg, R.J. (1988). *The Triangle of Love*. New York: Basic Books.
- Stivens, M. (2006). Family Values & Islamic Revival: Gender, Rights & State Moral Projects in Malaysia. *Women's Studies International Forum*, 29(4):354–367 available at www.elsevier.com/locate/wsif.
- Strauss, A & Corbin, J. (2011). *Basics of Qualitative Research: Techniques & Procedures for Grounded Theory*. translated by Ebrahim Afshar, Tehran: Nashre Ney.
- Talebi, F. (August, 2013). Consequences of Pornography in Adults. *Sepideh Danaei*, 69, 65-66.
- Usefian, A. (2006). *Family' Paradise with Decent Women*. Qom: Dar ul- Elm publishing.
- Vahidi, H. (1976). *National Manners & Pious Manners*. Tehran: Sanaee Library.
- Walsh, I., Holton, J. A., Bailyn, L., Fernandez, W., Levina, N., & Glaser, B. (2015). What Grounded Theory Is A Critically Reflective Conversation among Scholars. *Organizational Research Methods*, 18(4): 581-599.
- When 71% of Iranians Watch Satellite, What Can We Do?, (December, 2013), www.tabnak.ir.
- Willig, C. (2013). *Introducing Qualitative Research in Psychology*. 3rd ed., Maidenhead: Mc Graw Hill Education, Open University Press.
- Zahedi, M., Khezr Nejjad, O. (2013). Modernization & Transformation Process of Family Values (Sample Survey of the Transformation of Family Values in Buchan). *Journal of Iran Sociology*, 14(1): 68-97.
- Zahedi, M.J., Nazok Tabar, H. (2014). Modernization and changes in family Bhransaz new study family issues in urban areas in Mazandaran. *Social Studies and Research in Iran*, 3 (3):357-382.
- Zakariae, M., Akbari, K. (2011). Roots of addicting Inclinations in the Country, the Committee on Fighting against Narcotics. *Secretariat of the Expediency Council*.
- Zare Poor, A. (n.d). Remembering God, Neglecting God, Retrieved on 2015/10/27 available at <http://m5736z.blog.ir/post/ZEKR>.

نویسندگان

کیوان صالحی

keyvansalehi@ut.ac.ir

عضو هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران است. او دارای دکترای تخصصی در رشته سنجش آموزش (Educational Measurement and Evaluation) از دانشگاه تهران است. همچنین از چهارسال سابقه فعالیت کارشناسی در حوزه ارزشیابی و تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی ایران در مرکز مطالعات سازمان سنجش آموزش ایران، دو سال مشاور دفتر پژوهش و برنامه ریزی سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور؛ دو سال مشاور آموزش در مرکز آموزش و پژوهش بانک توسعه صادرات ایران، چهارسال کارشناسی در حوزه مدیریت منابع انسانی، و همچنین یکسال معاون برنامه تعالی خانواده در استان تهران برخوردار است. علاقه مندی مطالعاتی و پژوهشی وی در زمینه های روش های پژوهش کیفی و ترکیبی در علوم رفتاری، آسیب شناسی در نظام های آموزشی، ارزشیابی کیفیت نظام های آموزشی، رویکردهای نوین در سنجش عملکرد تحصیلی، حوزه های مدیریت سرمایه های انسانی و مطالعات فرهنگی است که بیش از ۷۰ مقاله علمی داخلی و بین المللی و طرح پژوهشی در کارنامه علمی او دیده می شود.

آرزو غفوری

arezu.ghafoori@gmail.com

کارشناسی ارشد آموزش بزرگسالان، گروه روش ها و برنامه های آموزشی و درسی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران و دبیر کار و فناوری متوسطه اول استان قزوین ایران است. او دانش آموخته تربیت معلم است و علاقه مندی پژوهشی وی در زمینه آموزش و پرورش نوجوانان و همچنین مسائل مربوط به بزرگسالان است. همچنین از سابقه دو ساله دستیاری پژوهشی آقای دکتر کیوان صالحی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران، نیز برخوردار بوده که در این راستا، تاکنون چند طرح پژوهشی و تألیف مقاله ملی و بین المللی مشترک در کارنامه و سوابق پژوهشی او دیده می شود.



Representing the Process of Transmogrification of Values with a Focus on Women Using Grounded Theory

Arezu Ghafoori¹
Keyvan Salehi²

Abstract

Social values can be upheld through an organic connection with other values. But when this connection is broken values become compromised and this forms the basis of this study. Significance of values and their role in promotion of society on one hand, and lack of necessary knowledge of weakening of progressive values and formation of counter values in today society on the other hand, have increased the importance of this study. The aim of this study was to research the Transmogrification of values associated with women in society. For this purpose, 36 participants were selected by purposive snowball sampling from Qazvin, Tehran and Sanandaj. several techniques were used to collect data including unstructured interviews, semi-structured interviews, participant observation and written letters. This resulted in extraction of 10 categories, and 3 main categories. Collected data were subjected to continuous review and comparison. Intermediate theory was developed with structure analysis of values and women interactions with others. Results showed a pattern in which the main category that leads to Transmogrification of values in people, especially in women, was "lack of attention to origin of existence and narrow view toward human existential philosophy" which means weakening of values among people and this causes

1. Master of adult education, Department of Curriculum Development & Instruction Methods, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran.

2. Faculty member, Department of Curriculum Development & Instruction Methods, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran.

DOI: 10.22051/JWSPS.2017.11132.1261

Submit Date: 2016/8/4

Accept Date: 2017/3/13



disregard of roles and responsibilities. If someone is exposed to specific environmental conditions, it is more likely that he/she would be subjected to value change. In this article, formation of the intermediate theory was examined in detail.

Key words

Transmogrification of Values; Value Formation Process; Women; Grounded Theory

